

دوشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۶۹ برابر ۳۱۵  
۲۰ اوت ۱۹۹۰ - سال هفتم - شماره ۳۱۵

## اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت):

# برگزاری نخستین کنگره سازمان

- ۵- بررسی گذشته سازمان و عملکرد رهبری و تصمیم گیری پیرامون قطعنامه های پیشنهادی
- ۶- بررسی وضع نشریات و رادیوی سازمان و تصمیم گیری پیرامون قطعنامه های پیشنهادی
- ۷- بررسی گزارش عملکرد مالی سازمان
- ۸- صدور پیامها
- ۹- انتخاب کمیسیون نهائی برای تهیه اسناد لازم جهت ارائه به کنگره دوم
- ۱۰- انتخاب ارگان رهبری
- ۱۱- تعیین زمان کنگره بعدی

اجلاس پس از بحث و بررسی، خود را نخستین کنگره سازمان نامید. کنگره به دلیل عدم تدارک و آمادگی کافی و کمبود وقت موفق نشد به بخش عمده ای از دستور کار پیشنهادی بپردازد. صدور قطعنامه درباره "بررسی اجمالی گذشته و عملکرد رهبری در دهه اخیر"، تعیین هدف سیاسی سازمان در این مرحله و دولت جانشین (شعار استراتژیک) تصویب ۲ بند از تظاهرات مربوط به هویت، تصویب قراری برای برگزاری کنگره دوم، از جمله مواردی بود که کنگره در مورد آنان اتخاذ تصمیم نمود. متن قطعنامه ها و قرارها به طور جداگانه انتشار خواهد یافت. کنگره در بخش پایانی خود گروه های کار ۱۰ گانه و رهبری جدید را انتخاب نمود. هیچ یک از اعضای هیئت سیاسی سابق در شورای مرکزی منتخب کنگره شرکت ندارند.

مشروح گزارش کنگره همراه با این اطلاعیه در نشریات سازمان منتشر می شود.

شورای مرکزی بزرگترین دستاورد کنگره را حفظ وحدت سازمان و تحکیم همبستگی فدائیان خلق ارزیابی می نماید. همبستگی که کنگره در میان ما پدید آورد، می تواند نقطه پایانی بر خطاهای گذشته و دسته بندی های زیان آور باشد و راه ما را در جهت انجام وظایف آتی هموار سازد. شورای مرکزی از همه فدائیان خلق، از همه رفقای که در جریان کشمکش های درونی گذشته و بدلیل اعتراض به مناسبات غیر دموکراتیک

- ۱- ارزیابی از مقام و موقعیت اجلاس
- ۲- بحث پیرامون سمت گیری برنامه ای و هویت و تصویب تظاهرات مربوطه
- ۳- تصویب تظاهراتی در باره خط مشی و برنامه سیاسی سازمان
- ۴- تصویب کار پایه موقت تشکیلاتی

### در نامه ای به رفسنجانی

## صدام حسین شرایط ایران را برای صلح پذیرفت

در روز چهارشنبه ۲۴ مرداد ماه، صدام حسین رئیس جمهور عراق طی نامه ای به رفسنجانی رئیس جمهور اسلامی ایران اعلام کرد که حاضر است همه نیروهای عراقی را از خاک ایران عقب کشیده، قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره را به عنوان مبنای حل اختلاف برسر شطالعرب پذیرفته و مبادله نوری اسرا را آغاز کند. نامه صدام حسین به رفسنجانی توسط خبرگزاری عراق انتشار یافت. صدام حسین طی اطلاعیه ای که از رادیو تلویزیون بغداد پخش شد، اظهار داشت که پیشنهاد صلح با ایران "با هدف مقابله با دشمنان مسلمین و اعراب" صورت می گیرد و "نیروهای عراق را برای صحنه اصلی مبارزه آزادمی کند".

پیرامون جزئیات پیشنهاد صدام حسین به تهران می رود. پیشنهاد صدام حسین هملا به معنای پذیرفتن همه شرایط ایران برای صلح است. تاکنون رژیم عراق از پذیرفتن قرارداد الجزایر به عنوان مبنای حل اختلاف ارضی سر باز می زد و خروج از خاک ایران را نیز به پس از آزادی اسرا موکول می کرد. با پیشنهاد جدید عراق، هملا ادامه مذاکرات صلح بلا موضوع شده است. یک سخنگوی "شورای عالی امنیت ملی" جمهوری

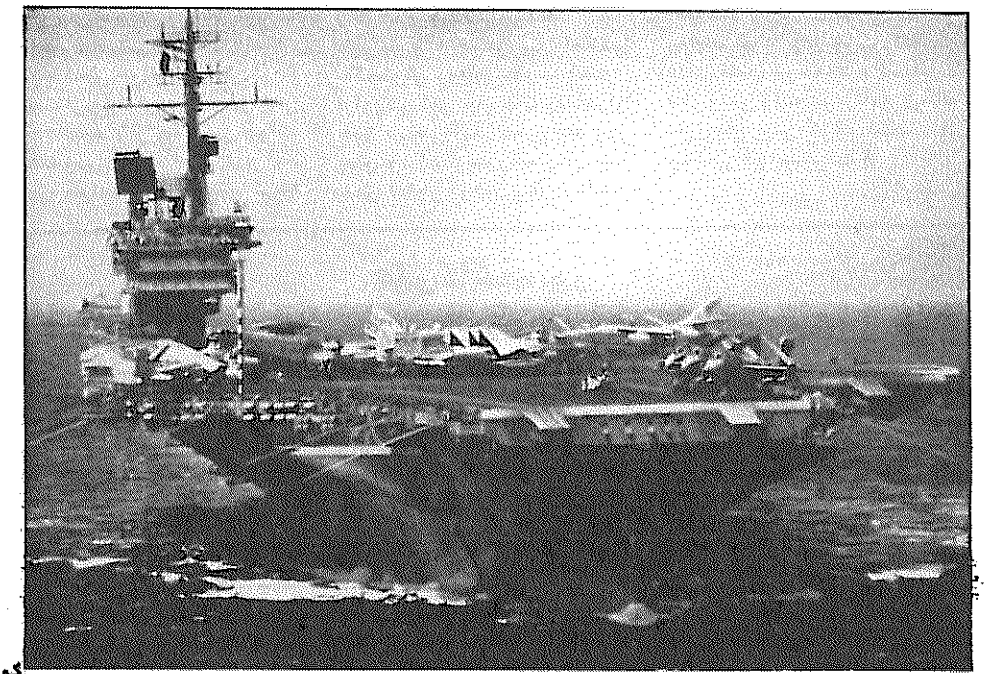
### روابط ایران و عراق و آینده منطقه

تجاوز ۱۱ مرداد عراق به کویت، معادلات سیاسی منطقه خاور میانه را بر هم زده است. تنها با گذشت دو هفته از این حمله، تقریباً همه فرض ها و گمان ها در مورد اتحادها و ائتلاف های سیاسی در این منطقه زیر هلاکت سؤال قرار گرفته است. خصوصاً ما دو دوستی هایی که بعضاً سابقه دهها ساله دارند، در معرض تغییرات ناگهانی اند. تا همین دو هفته پیش، چه کسی می توانست پیش بینی کند که سوریه "رادیکال" و "امپریالیست" در دفاع نظامی از عربستان سعودی، در کنار ایالات متحده قرار خواهد گرفت؟ در تصور چه کسی می گنجید که ملک حسین اردنی به تنها متحد عراق در مناقشه ای خطرناک با آمریکا تبدیل شود؟ برخی روزنامه نگاران، بی ثباتی و ناپایداری اوضاع کنونی در خاور میانه را به شرایط اروپا پیش از جنگ جهانی دوم تشبیه کرده اند.

تجاوز ۱۱ مرداد عراق به کویت، معادلات سیاسی منطقه خاور میانه را بر هم زده است. تنها با گذشت دو هفته از این حمله، تقریباً همه فرض ها و گمان ها در مورد اتحادها و ائتلاف های سیاسی در این منطقه زیر هلاکت سؤال قرار گرفته است. خصوصاً ما دو دوستی هایی که بعضاً سابقه دهها ساله دارند، در معرض تغییرات ناگهانی اند. تا همین دو هفته پیش، چه کسی می توانست پیش بینی کند که سوریه "رادیکال" و "امپریالیست" در دفاع نظامی از عربستان سعودی، در کنار ایالات متحده قرار خواهد گرفت؟ در تصور چه کسی می گنجید که ملک حسین اردنی به تنها متحد عراق در مناقشه ای خطرناک با آمریکا تبدیل شود؟ برخی روزنامه نگاران، بی ثباتی و ناپایداری اوضاع کنونی در خاور میانه را به شرایط اروپا پیش از جنگ جهانی دوم تشبیه کرده اند.

## پایان جنگی ده ساله شادباش به مردم ایران

جنگی که ده سال پیش با پاره شدن قرارداد الجزایر توسط صدام حسین آغاز شد و به مدت ۶ سال بر اثر خیره سری و جنون



پس از تجاوز نظامی عراق به کویت، آمریکا نیروی نظامی عظیمی را در منطقه مستقر کرد. یک انبار باروت می ماند. جهانیان نگران اولین جرعه اند.

علی کاشف پور  
عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان (رهبری انقلابی) در ترکیه ترورشده  
در صفحه ۲

### اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت):

## پیرامون آزادی اسرا و نزدیکی صلح

فدائیان خلق بازگشت اسرا به خاک میهن را به خانواده های آنان و به مردم ایران شادباش می گویند

همراه گشته است. فدائیان خلق خود را در این شادی بزرگ، شریک مردم ایران و خانواده های می دانند که پس از رنج و انتظاری طولانی همزبان خود را در آغوش می کشند. روند برقراری صلح، بدنبال سخنان صدام حسین رئیس جمهور عراق، در هفته گذشته، به مرحله نهائی خود نزدیک شد. رژیم عراق که تا چندین پیش از پذیرش شرایط صلح عادلانه خودداری می کرد و با طرح شروط نامعقول مانع اجرای قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد می شد، هفته گذشته اعلام کرد که سر باز از راه بطور کامل به پشت مرزهای بین المللی عقب می کشد و به اشغال مناطقی از خاک ایران که پس از جنگ هم چنان در تصرف خود نگاه داشته بود، پایان می دهد، حکومت عراق برای مبادله

پس از سالها رنج و انتظار سرانجام دهها هزار اسیر جنگی به آغوش خانوادگی خود باز می گردند و مغرب شوم جنگ می رود تا جای خود را به صلح پایدار بدهد. اعلام آزادی اسرا و پذیرش قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر از سوی رژیم عراق، با موجی از خرسندی در میان مردم ایران و جهان

## باز هم نمایش های تلویزیونی

دستگیری اعضای جمعیت دفاع از آزادی ادامه دارد

"مادتیقا در خط آمریکا حرکت می کردیم... ما از آمریکا و "سیا" رهنمود دریافت می کردیم... افراد جمعیت ما ساواکی، سلطنت طلب و رستخیزی بودند... ماستون پنجم عراق بودیم" اینها اظهاراتی است که در مکتب اوین، به زور شلاق در دهان آقای فرهاد بعبهائی عضو شورای مرکزی جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت مردم ایران فرو کردند تا او آنها را بر صفحه تلویزیون به سوی مردم پرتاب کند. میگویند بیوائی را در کمیته مشترک شاه شلاق میزدند که مسلسل را در کجا پنهان کردی؟

مناطقه اکنون مستقر کرد. جهانیان نگران اولین جرعه اند.

بقیه در صفحه ۶

بقیه در صفحه ۲

درنامه‌ای به رفسنجانی

صدام حسین شرایط ایران را برای صلح پذیرفت

بقیه از صفحه اول

که تاریخ آن، هفدهم مرداد یعنی شش روز پس از اشغال کویت توسط عراق است. رفسنجانی در نامه خود پیش‌نهاد هایی جهت برقراری صلح به صدام حسین ارائه کرده که اینک

همگی مورد پذیرش صدام حسین قرار گرفته اند. صدام حسین در نامه خود نوشته است که با پذیرش شرایط ایران، دیگر هیچ کاری جز مبادله اسناد مربوط به صلح دائمی، باقی نمی ماند. رئیس جمهور عراق اعلام کرد از

روز جمعه آزادی یکجانبه اسرای ایرانی و عقب نشینی نیروهای عراقی از خاک ایران آغاز خواهد شد. صلیب سرخ بین المللی کار تدارک مبادله حدود هزار نفر اسرای دو طرف را بلافاصله پس از انتشار نامه صدام حسین آغاز کرد.

اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پیروان آزادی اسرا و نزدیکی صلح

بقیه از صفحه اول

سازمان ملل متحد و بویژه از زحمات آقای خاوری پرزرد کویار برای استقرار صلح پایدار میان دو کشور، نگرانی عمیق خود را نسبت به خطر همدستی دور رژیم در سرکوب خلق کرد و معامله بر سر اپوزیسیون ایرانی و عراقی مستقر در خاک طرف مقابل، ابراز می دارد.

اکنون خطر جدی نیروهای حزب دمکرات کردستان ایران و سایر نیروهای سیاسی خلق کرد را تهدید می کند، شمار کثیری از نیروهای سازمان مجاهدین خلق ایران در چنگ رژیم بی رحم صدام گرفتار آمده اند و بخشی از نیروهای سیاسی ایرانی دیگر نیز در وضعیت مشابه قرار دارند. از سوی دیگر نیروهای سیاسی خلق کرد عراق و دیگر نیروهای اپوزیسیون رژیم عراق، در معرض خطر اسارت در چنگ رژیم قعما قرار گرفته اند.

ما به همراه مردم ایران با حزب دمکرات کردستان ایران و سایر نیروهای سیاسی خلق کرد را تهدید می کند، شمار کثیری از نیروهای سازمان مجاهدین خلق ایران در چنگ رژیم بی رحم صدام گرفتار آمده اند و بخشی از نیروهای سیاسی ایرانی دیگر نیز در وضعیت مشابه قرار دارند. از سوی دیگر نیروهای سیاسی خلق کرد عراق و دیگر نیروهای اپوزیسیون رژیم عراق، در معرض خطر اسارت در چنگ رژیم قعما قرار گرفته اند.

ما ضمن ابراز نگرانی عمیق نسبت به خطراتی که بویژه نیروهای حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران را تهدید می کند، از همه مجامع بین المللی استمداد می طلبیم تا تضمین های لازم را جهت جلوگیری از معاملات غیر انسانی دور رژیم بر سر اپوزیسیون ایرانی و عراقی

۲۴ مرداد ۱۳۶۹

روابط ایران و عراق و آینده منطقه

بقیه از صفحه اول

پذیرفته است، خرسندیم، مواضعی که صلحی پایدار و عادلانه را تأمین خواهد کرد. آیا حرکت جدید صدام حسین که به معنای اعلام رسمی بی‌وفایی بودن همه قربانی ها و لطمات هشت سال جنگ با ایران است، بدون محاسبات دقیق رژیم عراق در مورد چگونگی مقابله با فشار روز افزون بین المللی صورت گرفته است؟ موضعگیری های اخیر صدام حسین نشان می دهد که او به خوبی قادر به نشان دادن انعطاف ها و اتخاذ سیاستهایی حساب شده است.

شده شرایطی کمک کرده اند که احتمالاً اشغال سرزمین های عربی توسط اسرائیل را برای مدتی طولانی تثبیت می کند. کیست که نداند اسرائیلی که بدون حضور آمریکا در چند کیلومتری خاک خود، بیش از ۲۰ سال بلندی های جولان، بیت المقدس شرقی، کرانه غربی رود اردن و نوار غزه را در اشغال خود نگه داشته است، در شرایط حضور دهها هزار سرباز آمریکایی در منطقه، دیگر هرگز وقتی به خواستهای اعراب نخواهد گذاشت. اگر اعراب در پایان دادن به اشغال کویت دنباله رو آمریکا شوند، اشغال مناطق فلسطین توسط اسرائیل رادائمی می کنند. صدام حسین بر این نقطه ضعف دولت های عربی انگشت گذاشته است.

تایمز مالی: دو پرسش مطرح می شود: آقای رژیم که از بدو روی کار آمدن آن در انقلاب فوریه ۱۹۷۹، با آن دشمنی ورزیده است، چه چیزی به دست خواهد آورد؟ سؤال دوم که شاید مهمتر باشد، این است: ایرانی ها در برآوردن تعالیات صدام تا کجا پیش خواهند رفت؟ و اگر به عبارت دیگر، هر دو سؤال را با هم ترکیب کنیم، آیا آقای صدام در انزوای کنونی خود گمان می کند که می تواند نوعی اتحاد با دشمن سابق خود برای مبارزه با شیطان بزرگ ایجاد کند؟ این روزنامه به احتمال امیدواری صدام به شکسته شدن دیوار محاصره بین المللی با ایجاد رابطه با ایران اشاره می کند و از قول یک کارشناس آمریکایی می نویسد: عقب نشینی عراق در مقابل ایران بلائید و شرط نبوده است. این کارشناس، معتقد است که صدام حسین فرض را بر باز شدن مرزهای عراق و ایران گذاشته است. اما اگر تسلط عراق بر کویت دائمی شود، مواضع ایران در منطقه خلیج فارس به سود موضع دولت عراق که اینک ساحل غربی خلیج را در اختیار دارد، تضعیف خواهد شد. برای جمهوری اسلامی، کداجیک فیر قابل تحمل تر است: حضور نظامی نیرومند و احتمالاً دراز مدت آمریکا در منطقه، با احیای یک دولت تحت حمایت آمریکا در کویت، و یا قدرتمندتر شدن عراق و دراز مدت شدن تسلط آن بر کویت؟ نکته دیگری که معادلات را بازم هم پیچیده تر می کند، نیاز مبرم جمهوری اسلامی به گسترش

پایان جنگی ده ساله شادباش به مردم ایران

بقیه از صفحه اول

روزی خواهد رسید که سران رژیم قعما نیز برای همدستی با خمینی در طولانی کردن جنگ مورد بازخواست قرار گیرند. اینک صدام حسین در سکوی متهم ایستاده است و از موضع ضعف، به قرارداد ۱۹۷۵ که سالها آن را رد می کرد، تن می دهد. شاید رفسنجانی و خامنه ای از شادمانی دستان خود را به هم کوبند. اما آن ها باید بدانند که محکومیت امروز صدام حسین، محکومیت همه دیکتاتورها و جنگ طلب هاست. همانگونه که امروز همه دنیا به یاد جنایات صدام حسین در حمله به ایران و در جنگ شیمیایی علیه مردم کرد افتاده است، روزی خواهد رسید که همه جهانیان، جنایتکاران همگام به سر، حاکمان فعلی ایران را با دست نشان دهند و بگویند همین ها بودند که برای مردم کشورشان سالها نکبت و سیه روزی، کشتار و ویرانی به ارمغان آوردند. بگذار تا قعما به موفقیت زودگذر امروز خود دل خوش کنند. ما را از این که همزمان با ارباب حکومت جعل و جنایت از تیر روزی کنونی صدام حسین شادمان شویم، باکی نیست. آری، شادمانی ما امروز از دو بابت است: یکی از اینکه خواست دیرین ما برآورده می شود و صلح میان ایران و عراق، بر پایه قرارداد الجزایر، تنها مبنای ممکن برای حل اختلافات، احیا می گردد، و بدین خاطر که در جلوی چشمان ما، یک رژیم دیکتاتوری، آن هم در همسایگی کشور ما، سند محکومیت خود را آن هم در اوج درماندگی، صحنه می گذارد. امروز صدام حسین باید پاسخ دهد که با احیای شرایط پیش از شهریور ۵۹، تکلیف یک میلیون تن کشته در این ده ساله چه می شود؟ آری برقراری صلح و بویژه بازگشت اسرا از یک سو و در ماندگی دیکتاتور خون آشام عراق از سوی دیگر، مایه شادمانی ماست. ما این روزها در خجسته را به همه مردم شادباش می گوئیم و خود را در شادمانی

خانواده های اسرای ایرانی و عراقی سعیم می دانیم اما این شادمانی به معنای از یاد بردن نگرانی ها نیست، نگرانی هایی که قبل از هر چیز، از موقعیت انفجاری منطقه نشات می گیرد. صدام حسین همزمان با تن دادن به پایان جنگ ده ساله، آتش بحران دیگری را برافروخته است، یا به عبارت بهتر، جنگ ده ساله را پایان داده است تا برای جنگی دیگر، نیرو آزاد کند. ما نسبت به خطراتی که منطقه را تهدید می کند، بی تفاوت نیستیم. از یک سو صدام حسین با توسعه طلبی خود، منطقه را دچار آشوب کرده است، و از سوی دیگر، آمریکا و نزدیک ترین متحدانش با دعوی ژاندارمی بین المللی، به خود اجازه داده اند که به منطقه ما لشکر کشی کنند.

عراق زدند که به آوارگی هزاران تن از مردم کرد عراق انجامید. این بار نیز غیر از این نیست. به ویژه باید نگران وضعیت گروه های اپوزیسیون ایرانی در عراق بود. زیرا صدام حسین در تنگنایی قرار گرفته است که سرزدن هر جنایتی را از او ممکن می کند. به راستی اگر جمهوری اسلامی به صدام حسین برای شکستن محاصره بین المللی وعده مساعد بدهد، آیا دیکتاتور عراق حاضر به برآورده کردن همه خواست های رژیم آخوندها در رابطه با اپوزیسیون ایرانی مستقر در این کشور خواهد بود؟ آیا تحویل دادن ایرانیان مخالف به رژیم جمهوری اسلامی، عملی است که هرگز از صدام حسین سر نخواهد زد؟

این خطری است که افکار عمومی جهان تا به حال توجه چندانی بدان نکرده است. اما از رژیم می مانند رژیم صدام حسین که با جلوگیری از خروج شهروندان خارجی، عملاً هزاران تن را به گروگان گرفته است، چنین جنایتی نیز بعید نیست. از موثرترین حربه ها برای پیشگیری از بندوبست های اینچینی، بسیج افکار عمومی بین المللی و اعمال فشار بر هر دو رژیم، به ویژه رژیم آخوندهاست.

منافع ملی مردم ما ایجاب می کند که حکومت ایران از هرگونه بندوبستی با رژیم صدام حسین به جز توافق های آشکار مربوط به صلح (بازگشت اسرا، تنفیذ قرارداد ۱۹۷۵ و بازگشت نیروها به پشت مرزهای بین المللی) باز داشته شود. مردم ایران به قدر کافی از جنگ مصیبت دیده اند. نباید بار دیگر پای کشور ما به یک بحران منطقه ای کشیده شود. دخالت فعال رژیم قعما به سود طرف دیگر بحران فعلی نیز به سود مردم ما نیست. نباید گذاشت دولت ایران گامی فراتر از پیروی و تعهد نسبت به مصوبات شورای امنیت سازمان ملل متحد بردارد. با آگاهی از آنچه که این نگرانی ها را باعث می شود، مقدم صلح را گرامی می داریم.

ماجرای جوئی آمریکا، جستجوی راه حل نظامی برای مشکلی است که جامعه بین المللی می کوشد با تدابیر هماهنگ مانند تحریم اقتصادی عراق بدان پاسخ دهد. از یک سو این خطر وجود دارد که جمهوری اسلامی طی معامله ای با صدام حسین، به نقض تحریم های سازمان ملل متحد علیه عراق و تضعیف جبهه بین المللی علیه تجاوز صدام حسین به کویت و الحاق این کشور به عراق دست یازد. از سوی دیگر، این خطر نیز واقعی است که ماشین دیپلماسی مخفی آخوندها، با دستاویز قرار دادن تجاوز عراق به کویت، وارد معاملات و بندوبست هایی شود که یک سر آن تهران و ریاض و سر دیگر آن واشنگتن باشد. از رژیم جمهوری اسلامی، در پیش گرفتن هیچ یک از این دو مشی بعید نیست. حتی ممکن است حکام ماکیاویلیست تهران در آن واحد هر دو سیاست را پیش برند. این، نگرانی اول.

نگرانی دوم، به سرنوشت آن بخش از اپوزیسیون ایران و عراق مربوط می شود که تا به حال از وجود یکی از این دو کشور علیه دیگری استفاده کرده اند. در سال ۱۹۷۵ شاه و رژیم البکر - صدام حسین همزمان با انعقاد قرارداد الجزایر دست به معامله شومی بر سر سرنوشت جنبش ملی کردستان

روابط با قرب است. برآوردن این نیاز با اتحاد با عراق چور در نخواهد آمد. همین چند روز پیش بود که دولت رفسنجانی بی نی کرده است، از چه کسی خواهد گر بینی کرده است، از چه کسی خواهد گرفت بینی کرده است، از چه کسی خواهد گرفت بینی کرده است.

مبنی بر قطع رابطه با بریتانیا، تصمیم گرفت مناسبات با لندن را احیا کند. اگر جمهوری اسلامی روابط خود را با قرب کمابیش هادی نکند، در حدود ۲۰ میلیارد دلار وامی را که در برنامه ۵ ساله اش پیش بینی کرده است، از چه کسی خواهد گرفت؟

علی کاشف پور

عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان (رهبری انقلابی)

در ترکیه ترور شد

وی مسئول منطقه شمال کردستان بود. خانواده علی کاشف پور در ترکیه خود را به دفتر پناهندگان سازمان ملل متحد معرفی کرده بودند و در انتظار انتقال به یک کشور دیگر بسر می بردند. علی کاشف پور برای دیدار خانواده اش به ترکیه آمده بود که توسط تروریستهای جنایتکار ربوده شده و به شهادت رسید.

است. گفته میشود که این صحنه سازی و ترور جنایتکارانه علی کاشف پور توسط عوامل رژیم جمهوری اسلامی انجام گرفته است. علی کاشف پور یکی از پانزده نفر رهبران و کادرهای حزب دموکرات کردستان ایران بود که با انشعاب از این حزب، تشکیل حزب دموکرات کردستان ایران (رهبری انقلابی) را اعلام داشتند.

در آخرین ساعاتی که نشریه به زیر چاپ میرفت، اطلاع یافتیم که علی کاشف پور در نیمه شب چهارشنبه ۲۴ مرداد در ترکیه ترور شده است. بر اساس اطلاع رسیده سه نفر که دو نفر شان مجلس به او نیغورم پلیس ترکیه بوده اند، علی کاشف پور را از محل سکونت و از کنار خانواده اش ربوده اند. روز پنج شنبه ۲۵ مرداد جسد وی در جاده تونیه به آنکارا پیدا شده

### گزارش اولین کنگره

## سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت

شورای مرکزی منتخب، نظر به وظایفی که از سوی کنگره بدان محول شده، خود را ملزم دانست که گزارش حاضر را تهیه نموده، منتشر سازد. در تنظیم این گزارش کوشش شده است تا از اظهار نظر و تفسیر

پرمیز شود و گزارش در مخوم اخص کلمه تهیه گردد. شورای مرکزی بر آن است که امکانات مطبوعاتی سازمان را در خدمت بحث و تبادل نظر اعضای سازمان و صاحب نظران ترقی خواه کشور پیرامون

نخستین کنگره سازمان، تصمیم و دستاوردهای آن بکار گیرد. شورای مرکزی، فدائیان خلق و همه احزاب، سازمان ها و شخصیت های ملی و مترقی را به اظهار و مشارکت در این بحث فرامی خواند.

و تشکیل کمیسیون هایی برای مواد ۱ تا ۷ دستور کار، مورد تصویب قرار گرفت و کمیسیون های مربوطه تشکیل شدند

کمیسیون دیگری نیز تشکیل شد تا به مسائل مربوطه به خلق ها رسیدگی نماید.

پیش از آنکه جلسه وارد دستور شود، پیشنهاد دعوت از مجسمان مطرح شد و پس از صحبت های موافق و مخالف، کنگره تصمیم گرفت که به علت عدم آمادگی، موضوع دعوت مجسمان از دستور خارج شود.

در چهارمین روز اجلاس، ابتدا اعضا و مخبرین کمیسیون های معرفی شدند و کنگره به آنها رای اعتماد داد و سپس بررسی گذشته سازمان و عملکرد رهبری و تصویب تزهایی در این رابطه، به علت عدم وجود گزارش از سوی کمیته مرکزی سابق، کنگره تصمیم

گرفت که رفقای عضو هیات سیاسی سابق که در جلسه حضور داشتند، هر کدام شخصا در باره فعالیت دستگاه رهبری سابق اظهار نظر کنند.

به سایر اعضا و مشاورین کمیته مرکزی هم وقت معین داده شد تا نظرات خود را پیرامون گذشته سازمان و عملکرد رهبری بیان کنند. ۲۵ تن از نمایندگان نیز در این زمینه اظهار نظر کردند. پس از اظهار نظر نمایندگان، بار دیگر به اعضای هیات سیاسی سابق فرصت داده شد تا پیرامون مسائل شخصی که در اظهارات نمایندگان عنوان شده بود و نیز در مواردی که کمیسیون، بررسی مشخص آنها را پیشنهاد کرده بود اظهار نظر نمایند.

بحث پیرامون گذشته سازمان و عملکرد رهبری در روز ششم مجددا در دستور قرار گرفت. ابتدا کنگره سند پیشنهادی کمیسیون مربوطه را به عنوان سند مبنا پذیرفت و سپس بحث پیرامون بندهای جداگانه آن آغاز شد در دور اول بحث بندهای مربوط به انتقاد از مشی شکوفاسازی جمهوری اسلامی، مسائل تشکیلاتی و اساسنامه ای از تصویب گذشت و سایر مواد جهت

تدقیق و تصحیح به کمیسیون هودت داده شد. ادامه بحث پیرامون گذشته سازمان و عملکرد رهبری در روزهای هفتم و هشتم کنگره سرانجام به تصویب سندی در ۷ بند انجامید. در روز نهم پس از انتخاب شورای مرکزی و در آخرین دقایق کنگره بند دیگری به عنوان بند هشتم سند از سوی یکی از نمایندگان قرائت گردید که نمایندگان با کف زدن های ممتد آن را مورد تایید قرار دادند.

به پیشنهاد کمیسیون و تصویب کنگره، سند مصوب بررسی اجمالی خطاهای رهبری در دهه گذشته، نامیده شد.

در این سند پیرامون سیاست و برنامه های جمهوری اسلامی، سیاست وحدت با حزب توده ایران، سیاست سازمان در قبال کشورهای متعلق به بلوک موسوم به اردوگاه سوسیالیسم، ساختار تشکیلاتی و مناسبات رهبری با تشکیلات و ضرباتی که در سال ۶۵ بر پیکر تشکیلات سازمان در داخل کشور وارد آمد، با صراحت اظهار نظر شده است. این سند همراه این گزارش انتشار می یابد.

به موازات بحث پیرامون گذشته سازمان و عملکرد رهبری، بحث های پیرامون دو مورد دیگر از دستور کار کنگره یعنی "سمت گیری بر نامه ای و هویت" و "خط مشی و برنامه سیاسی" نیز جریان یافت در بحث "سمت گیری بر نامه ای و هویت" ابتدا رفقای که قبلا اسنادی تهیه کرده بودند پس از دفاع از سند پیشنهادی خود به سوالات نمایندگان پاسخ گفتند. در این دور از مباحثات اسناد پیشنهادی تماما یا تقسما بوسیله خود تنظیم کنندگان سند و یا سایر نمایندگان مورد مدافعه قرار گرفت.

در دور دوم، بحث حول محورها و فرمول های مشخص که از سوی کمیسیون مربوطه ارائه شده بود تمرکز یافت و پس از سخنان موافق و مخالف و انجام پاره ای اصلاحات در بند ۲ تزهایی پیشنهادی کمیسیون، مواد ۱ و ۲ و ۳ شرح زیر از تصویب کنگره گذشت.

۱ - سازمان ما از دل جنبش فدائیان خلق که در دهه ۴۰ در پیکار علیه دیکتاتوری شاه با آرمان دموکراسی و سوسیالیسم شکل گرفت، برخاسته است. جنبشی که هدف پایدار آن خدمت به

کارگران و زحمتکشان، تامین صلح، آزادی و عدالت اجتماعی برای مردم و کسب استقلال و پیشرفت اقتصادی و سر بلندی برای میهن عزیز ما ایران بوده است.

۲ - آرمان ما سوسیالیسم است. سازمان ما برای دستیابی به ارزش های سوسیالیستی مبارزه می کند.

پس از تصویب تزهایی فوق الذکر کنگره تصمیم گرفت که ادامه بحث و تصمیم گیری پیرامون سمت گیری برنامه ای و هویت را از دستور خارج کند.

در مورد خط مشی و برنامه سیاسی نیز پس از بحث های اولیه که مستقیما در کنگره انجام گرفت، در دور دوم و سوم تزهایی پیشنهادی کمیسیون، به بحث گذاشته شد. کمیسیون مربوطه از طرح مواردی که پیرامون آنها تفاهم و اتفاق نظر وجود داشت خودداری نمود و تنها چند نکته گری و مهم مربوط به خط مشی و برنامه سیاسی را به بحث گذاشت. در این محبت نیز

بخش هایی از سند پیشنهادی مورد بحث قرار گرفت. در این زمینه کنگره توانست هدف سیاسی ما و حکومت جایگزین را به شرح زیر مشخص سازد:

پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی و استقرار دموکراسی پارلمانی در شکل جمهوری فدراتیو.

در بحث پیرامون این فرمول توجه نمایندگان عمدتا بر نقاط اشتراک و افتراق عبارات های "پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی" و "سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی" و نیز تمایزات و تشابهات "رژیم جمهوری اسلامی" و "رژیم ولایت فقیه" تمرکز یافت. همون نمایندگان در اظهارات خود تاکید نمودند که شعار "سرنگونی" به دلیل مطلق کردن عنصر قهر نمی تواند سیمای مسالمت جوی سازمان و انزجار ما از خونریزی را منعکس سازد.

علاوه بر موارد فوق پیرامون شعار "انتخابات آزاد" و موضع ما در رابطه با سلطنت و سلطنت طلبان نیز بحث هایی صورت گرفت. در مورد سلطنت بیش از دوسوم نمایندگان از پیشنهادی کمیسیون خط مشی و برنامه سیاسی را مضار کردند. متن تزهایی مربوطه، به شرح زیر است:

مهمین ما در انقلاب را سرنگون کردند. سازمان،

۴ - عدم وجود اسنادی که به طور سازمان یافته در تشکیلات به بحث گذاشته شده باشد و در نتیجه عدم آمادگی نمایندگان برای اتخاذ تصمیم پیرامون مسائل اساسی در زمینه برنامه، اساسنامه و نظائر آن، برخی از نمایندگان با استناد به نارسایی های یاد شده، ایده "کنگره دائر" را به میان کشیدند و خواستار آن شدند که کنگره در دو اجلاس به فاصله حدودا ۶ ماه از یکدیگر تشکیل شود و از این نظر اجلاس خود را جلسه مقدماتی نخستین کنگره سازمان "یا اجلاس نخست از" تلقی کنند. در این زمینه توافق شد و ضمن تصمیم گیری پیرامون مسائل مهم، وظیفه اصلی جاری بر طرف کردن نواقص مذکور و تدارک اجلاس دوم بدانند. سایر سخنرانان ضمن تایید مضامین یاد شده با این نتیجه گیری که کنگره "دائر" تلقی گردد مخالفت ورزیدند. آنها بر این نکته تاکید ورزیدند که اجلاس جاری انعکاس حداکثر توان موجود در سازمان در لحظه کنونی است و در شرایط حاضر صالح ترین مرحله ای است که می تواند پیرامون حیات سازمان تصمیم بگیرد. و از این رو نام آن "کنگره نخست سازمان" است. این عده از نمایندگان در همین حال تاکید داشتند که کنگره نارسایی های موجود ما را ملزم می سازد تا از هم اکنون جهت تدارک کنگره دوم تمهیدات لازم را اتخاذ نماییم. جمعی دیگر از نمایندگان بر این عقیده بودند که اجلاس حاضر باید خود را "تجمع صلاحیت دار" بنامد و وظیفه اصلی خود را بر طرف کردن موانع در راه تشکیل کنگره بدانند.

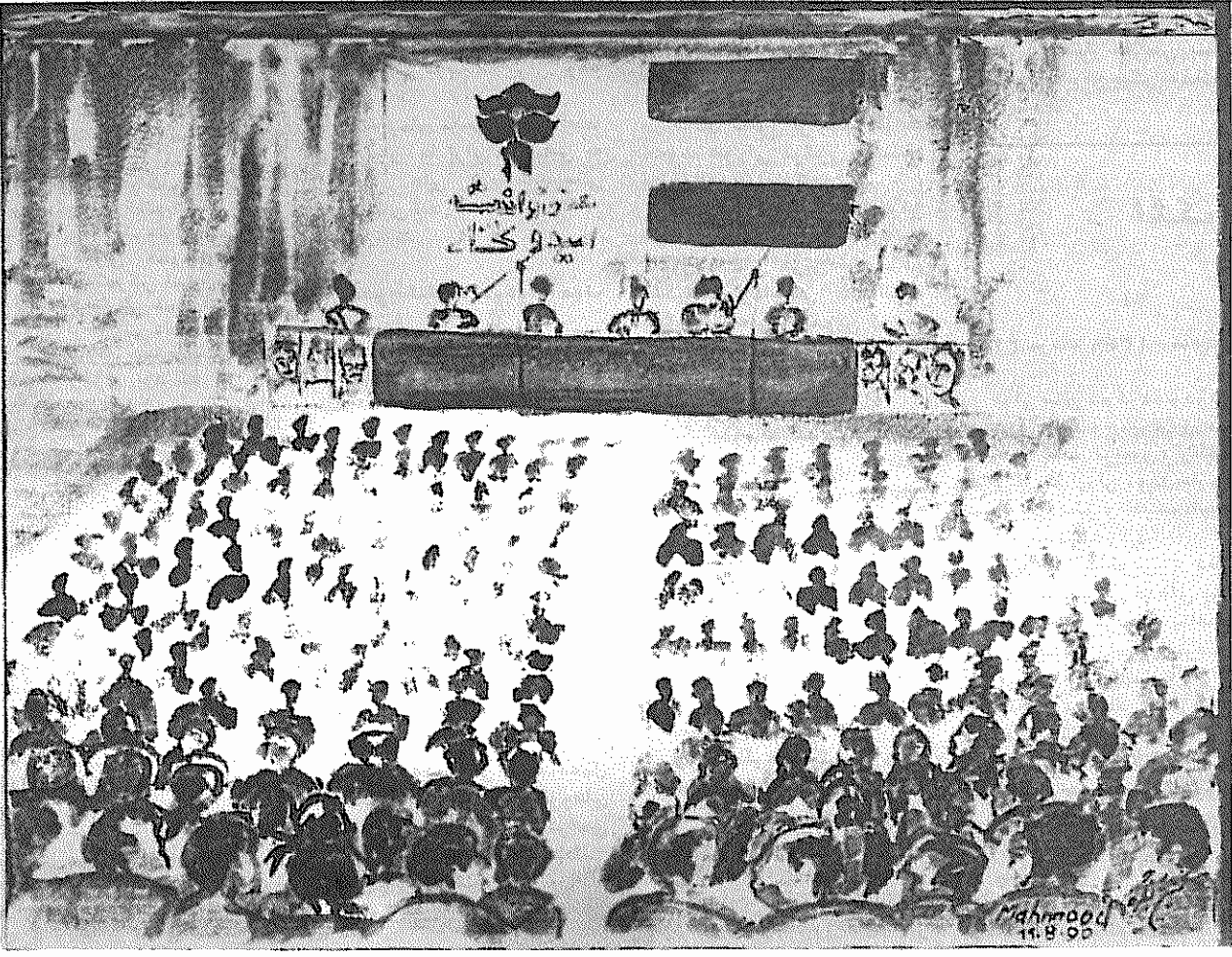
به رغم برداشت های متفاوتی که فورا مطرح گردید، هیچیک از سخنرانان صلاحیت اجلاس برای اتخاذ تصمیم در جهت خارج کردن سازمان از وضعیت موجود، از جمله در زمینه انتخابات رهبری آتی را مورد تردید قرار ندادند. بحث ها در این زمینه، در نوبتی دیگر و هنگامی که اعتبار نامه اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان از تصویب گذشت و جلسه رسمیت یافت، ادامه پیدا کرد و در پایان پیرامون مقام و موقعیت اجلاس رای گیری به عمل آمد و با رای اکثریت نمایندگان، اجلاس "نخستین کنگره" سازمان نامیده شد. پیش از رسمیت یافتن اجلاس، نظام نامه اداره جلسات کنگره در دستور بحث قرار گرفت و پس از انجام اصلاحات لازم از تصویب گذشت. آنگاه مخبر کمیسیون نمایندگان به کف زدن و پس از تایید مجموعه اعتبار نامه هایی که شکایت و اعتراضی نسبت به آنها وجود نداشت، جلسه بعنوان کنگره رسمیت یافت. جلسه ابتدا پیرامون رای و کالتی در خارج از کشور و تنظیم رابطه با نماینگانی که به دلایل موجه نتوانستند از کشورهای محل اقامت خود خارج شوند تصمیم گرفت که:

۱ - رای و کالتی در خارج از کشور تنها در صورتی نافذ است که:

- وکیل در جلسه حاضر باشد.
- مقرر موکل برای عدم شرکت در جلسه موجه باشد.
- گزینش فرد معین به

۲ - امتناع بخش قابل ملاحظه کادرها و اعضای تشکیلات خارج از شرکت در اجلاس به دلایلی با خلصت اعتراضی ۳ - نارسائی ضوابط گزینش نمایندگان

۲ - امتناع بخش قابل ملاحظه کادرها و اعضای تشکیلات خارج از شرکت در اجلاس به دلایلی با خلصت اعتراضی ۳ - نارسائی ضوابط گزینش نمایندگان



Mahmoodi 11.8.69

قطعه نامه

بررسی اجمالی خطاهای سازمان در دهه اخیر،

۴- کنگره ساختار تشکیلاتی سازمان را که بر پایه تمرکز قدرت در دستگاه رهبری، بی حقوقی کامل اعضا و نیز پرورش روحیه فرمانبری استوار بود، مانع شکوفایی اندیشه ها و بهره گیری از خرد جمعی می گشت، ساختار فیر دموکراتیک می دادند. دستگاه رهبری با نقض حقوق اعضا - متحد نادیده گرفتن اساسنامه مصوبه خویش - موجب تخریب روابط درون سازمان، تشدید منازعات و گسترش بحران، شکل گیری دسته بندی و تخریب روابط سالم در بین فعالین سازمان در تمامی سطوح تشکیلات گردید. کنگره بدینوسیله از رفقای که بدلیل اقدامات غیرمسئولانه رهبران و مسئولین، سازمان را ترک کرده اند دعوت می کند که به سازمان خود بازگردند.

۵- کنگره رژیم جمهوری اسلامی را عامل ضربات فاجعه بار سال ۵۶ که موجب دستگیری و شهادت صدها تن از فدائیان گشت اعلام می دارد. کنگره در همین حال ارزیابی نادرست از اوضاع سیاسی کشور، عوارض مشکلات تشکیلاتی مبتنی بر مشی شکوفا سازی جمهوری اسلامی، مشی چپ روانه سیاسی - سازمانی پس از سال ۶۲ را که به سازماندهی نادرست و تعرض تبلیغاتی - تشکیلاتی انجامید از عوامل موثر در وقوع این فاجعه می داند.

کنگره در همین حال خاطر نشان می کند که برای مهار ضرباتی که در شرف وارد آمدن بر پیکر سازمان در داخل کشور بود، امکانات عملی معینی وجود داشت ولی بعزت نارسایی های حاصل از دسته بندیهای درون کمیته مرکزی، ارگانهای زیربطان پرداختن به این مهم مغفلت ورزیدند و نتوانستند ابعاد فاجعه را در سال ۵۶ و بعد از آن تا حد ممکن تقلیل دهند.

۶- فدائیان خلق راه بسیار سختی را با تمام مسائل و بفرجه های یاد شده طی کرده اند، راهی که دشواریهای آن در اساس بر عمده فدائیان خلق در داخل کشور بوده است.

کنگره از تمامی تلامه های این رفقا که در سخت ترین شرایط پرچم مبارزه علیه جمهوری اسلامی را برافراشته داشتند قدر دانی می نماید و نقش والای آنان در بالا بردن اعتبار جنبش فدایی را می ستاید.

کنگره از تمامی تلاشهایی که تاکنون در جهت تداوم پیکار فدائیان در راه سعادت و بعروزی مردم ایران و در جهت طرد انحرافات گذشته و برون رفت از بحران صورت گرفته قاطعانه دفاع می کند.

۷- کنگره کمیسیونی را جهت بررسی دقیق تر عملکرد کمیته مرکزی، شعب و یکایک اعضای آن انتخاب می کند. شورای مرکزی منتخب کنگره موظف است کلیه اسناد موجود را در اختیار این کمیسیون قرار دهد. گزارش این کمیسیون به کنگره دوم ارائه خواهد شد.

۸- کنگره از رفقای هیئت سیاسی و کمیته مرکزی که فروتانه جای خود را به شورای مرکزی منتخب سپردند صمیمانه سپاسگزاری می کند.

۱- کنگره سیاست و برنامه سازمان در راه شکوفایی جمهوری اسلامی را بجهت تقابل آن با دموکراسیسم، پیشرفت و تجدید بزرگترین خطای سیاسی سازمان ارزیابی می کند. این سیاست و برنامه محصول بینشی بود که جهان را بدو جبهه تقسیم می کرد و با توجه به ضد امپریالیسم ارتجاعی رژیم خمینی، که آن زمان این گونه تصور نمی شد، ادامه حیات آرا بسود مردم ایران، بسود یک جبهه و بطور مشخص اردوگاه سوسیالیسم ارزیابی می کرد در تدوین این مشی به منافع و نیازهای عاجل ملت ایران توجه نشد. بی اهمیتی به دموکراسی و عدم شناخت دستگاه روحانیت از جمله عوامل موثر در شکل گیری این سیاست و برنامه بوده اند.

سیاست شکوفاسازی جمهوری اسلامی بسود رژیم و بر ضد منافع ملت ایران بود. این مشی ضربات بسیار سختی به اعتبار جنبش فدایی، جنبش دموکراتیک و حق طلبانه مردم ایران بویژه خلق کرد و ترکمن وارد ساخت و موجب اتخاذ سیاستهای ستیزه جویانه و یا خصمانه نسبت بدیگر نیروها و فعالین جنبش گشت.

کنگره این سیاست و برنامه را محکوم می کند و مسئولیت اصلی آت را متوجه رهبران وقت سازمان می داند.

۲- سیاست وحدت با حزب توده ایران که در روند خود به سیاست اقدام سازمان در حزب منجر می گردید، ناقص استقلال سازمان بود و به اعتبار جنبش فدایی ضربات جدی وارد آورد. این سیاست یکی از عوامل موثر و جدی جدایی بخشی از فعالین جنبش فدایی محسوب می شود.

کنگره کمیته مرکزی سابق را مسئول اصلی خطای بزرگ می شناسد و بر آنست که بخشی از کادرهای موثر سازمان نیز در دوره های معین در تسریع این روند موثر بوده اند.

کنگره گرایشی در رهبری را که تا سالها بعد مصرانه بر صحت سیاست وحدت با حزب توده ایران پافشاری کرد مدنی ارزیابی می کند.

۳- کنگره سیاست سازمان در برخورد با اتحاد شوروی و سایر کشورهای "اردوگاه سوسیالیسم" را نادرست ارزیابی می کند. این سیاست که پس از پذیرش اسناد جلسات مشاوره احزاب کارگری و کمونیستی ۵۷، ۶۰، ۶۹ و بر پایه این اسناد اتخاذ شده بود، بر واقعیت انطباق نداشت. نا باوری نسبت بوجود برتری طلبی در حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی، صحنه گذاشتن بی قید و شرط بر سیاست ها و عملکردهای آنها، تبلیغات غیر واقعی بسود این کشورها و معرفی جامعه شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به مثابه تمامه ل سوسیالیسم و جامعه آرمانی به اعتبار سازمان به مثابه تئوری که از منافع ملی مردم ایران پیگرانه دفاع می کند، لطمات جدی وارد ساخت.

هر چه بیشتر آشکار می شد و نمایندگان احساس میکردند که هر اشتباهی در این زمینه ممکن است عوارض جبران ناپذیری به بار آورد.

اکنون نمایندگان انتخاب خود را کرده بودند و نتایج انتخابات روشن شده بود. ولی هنوز بیم و نگرانی وجود داشت و این سوال که "بعد از این چه خواهد شد؟" اما نگرانی نمایندگان دیری نپایید و هنگامی که اعضای هیات سیاسی سابق، خسته از سالها مبارزه درونی و بیرونی در جایگاه هیات رئیسه یکدیگر را در آغوش گرفتند، فضای کنگره به تدریج منقلب شد: اولین طرقات اشک بر گونه ها نشست، نسیم جان نوازی وزیدن گرفت و دمی بعد به امواجی از عواطف انسانی بدل شد و سراسر سالن بزرگ کنگره را در نور دید. سرو دزادی به ترنم درآمد: آن زمان که بنفادم سر به پای آزادی دست خود ز جان شستم از برای آزادی

ولحظاتی بعد: ایران ای سرای امید... نمایندگان یکدیگر را در آغوش گرفتند و ساهت ها اشک شوق ریختند. اعضای هیئت سیاسی سابق در میان آبراز احساسات شدید نمایندگان، تک تک پشت تریبون قرار گرفتند. پیام همه یکی بود: ضرورت کار بیشتر، درس آموزی از گذشته و کمک به کسانی که در این شرایط سخت عهده دار مسولیت شدند...

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت

۵- انتخاب اعضای گروه های کار از میان لیست داوطلبین به شیوه رای گیری با ورقه و طبق فرمول سه پنجم صورت گیرد.

۶- انتخاب شورای مرکزی از میان لیست داوطلبین به شیوه رای گیری با ورقه و طبق فرمول شش دهم انجام شود.

پس از پایان ثبت نام داوطلبین اعلام شد که ۲۲ نفر جهت عضویت در شورای مرکزی سازمان اعلام آمادگی کرده اند. از این عده بجز ۷ نفر بقیه هیچگاه در دستگاه رهبری سازمان فعالیت نداشتند.

کنگره با علم به موارد مذکور تصمیم گرفت که انتخابات شورای مرکزی و گروه های کار از میان لیست های موجود برگزار کند. ابتدا انتخابات شورای مرکزی برگزار شد و بلافاصله کارت های رای گیری جهت گزینش گروه های کار توزیع گردید.

پس از شمارش آرا به دعوت هیئت رئیسه، اجلاس نهایی کنگره برگزار گردید. اسامی واجدین بیشترین آرا جهت عضویت در شورای مرکزی قرائت شد. در ترکیب اعلام شده نام هیچ یک از اعضای هیئت سیاسی سابق وجود نداشت. چهار عضو کمیته مرکزی سابق همراه عرتن از کادرهای سازمان به عنوان شورای مرکزی برگزیده شدند.

حدت بحران در رهبری و عوارض آن در تشکیلات سبب شده بود که انتخاب رهبری آینده از همان روز نخست به مشغله ذهنی همه نمایندگان تبدیل شود. وجود نظرات متفاوت و گاه متضاد در زمینه ترکیب رهبری، یافتن راه حل مناسب را دشوار کرده بود. با نزدیک شدن زمان انتخابات دشواری تصمیم گیری

نظام سلطنت را نظامی فیردمکراتیک می شناسد. سازمان در سیاست اتحادها بر همکاری و اتحاد عمل و تشکیل جبهه با نیروهای جمهوری خواه طرفدار دموکراسی تاکید دارد و اتحاد با سلطنت طلبان را رد می کند.

"تدارک کنگره آتی" موضوع دیگری بود که در دستور کار کنگره قرار گرفت. در این رابطه قطع نامه ای به شرح زیر تصویب شد.

۱- کنگره آتی سازمان حداکثر تا یک سال دیگر برگزار می شود. شورای مرکزی منتخب کنگره اول مسول برگزاری کنگره دوم است.

۲- نمایندگان تشکیلات خارج از کشور صرفا از طریق انتخابات برگزیده می شوند.

۳- تعیین حد نصاب بر عهده شورای مرکزی است. شورا موظف است حد نصاب تعیین شده را به اطلاع تشکیلات برساند.

۴- نمایندگان فعالین سازمان در داخل کشور بر اساس ضوابط مصوب شورای مرکزی به کنگره فراخوانده خواهند شد.

۵- شورای مرکزی موظف است برای شرکت رفقای که به دلیل ماموریت های حزبی خاص، در تشکیلات سازماندهی نشده اند ضوابط ویژه ای را تدوین کرده، به اجرا گذارد.

۶- اعضا شورای مرکزی منتخب کنگره اول، با حق رای در کنگره دوم شرکت می کنند.

۷- شورای مرکزی موظف است ضوابط مطروحه در بندهای ۴ و ۵ این قطع نامه را به اطلاع تشکیلات برساند، به نظر خواهی بگذارد.

آخرین موردی که پیش از برگزاری انتخابات به بحث گذاشته شد سیاست مطبوعاتی سازمان بود در این مورد نیز به رقیب وجود قطع نامه پیشنهادی از سوی "کمیسیون نشریه و رادیو"، کمیسیون نشریه و همه جانبه و تصمیم گیری جامع شد و کنگره تنها توانست تصویب کند که سازمان همپان دو نشریه داشته باشد.

نمایندگانی که از ایده "دو نشریه" در مقابل "یک نشریه" دفاع کردند در سخنان خود تاکید نمودند که یک نشریه باید مضمون خبری - سیاسی داشته و به صورت هفتگی منتشر شود و نشریه دیگر با مضمون تحلیلی فنی تر و سیاسی حزبی شاخص تر به صورت ماهانه انتشار یابد.

انتخاب ارگان رهبری آخرین موضوع دستور کار کنگره بود. پیرامون این موضوع هم در اجلاس های پیش کنگره، هم در بحث های جنب کنگره و هم در سخنرانیهای نمایندگان نظرات متفاوتی مطرح بود. در کنگره ابتدا ساختار ارگان رهبری و شیوه گزینش به بحث گذاشته شد. چندین ساختار و شیوه به صورت طرح، قرار و قطع نامه از سوی نمایندگان به کنگره ارائه شد.

سمت گیری هموم طرح ها کاستن از تمرکز امور در یک ارگان، گسترش همکراتیسم و افزودن بر کارائی دستگاه رهبری بود. تمایز طرح ها عمدتا در حد عدم تمرکز بود که هر یک پیشنهاد می کردند. در همین حال طرح هایی نیز وجود داشتند که با نگرشی متفاوت نسبت به مضمون کار حزبی تهیه شده بودند. در کنگره کوشش به عمل آمد که تلفیقی از طرح های مختلف مبنای کار قرار گیرد و در نهایت قرار بر این شد که:

۱- ده "گروه کار" در زمینه های نشریه کار، نشریه اکثریت، تدارک اجرایی کنگره دوم، تدارک اسناد کنگره دوم، تشکیلات داخل، تشکیلات خارج، امور مالی، امور خلق ها، رادیو و روابط عمومی تشکیل شود.

۲- یک شورای مرکزی ده نفره هدایت سازمان تا کنگره آتی را عهده دار شود.

۳- هر یک از اعضای شورا مسولیت یکی از گروه های کار را بر عهده گیرد.

۴- تعداد اعضای صاحب رای هر گروه کار ۵ نفر باشد.

از مصوبات کنگره

درباره تعریف هویت سازمان

۱- سازمان ما از دل جنبش فدائیان خلق که در دهه ۴۰ در پیکار علیه دیکتاتور شاه با آرمان دموکراسی و سوسیالیسم شکل گرفت، برخاسته است. جنبشی که هدف پایدار آن خدمت به کارگران و زحمتکشان، تأمین صلح، آزادی و عدالت اجتماعی برای مردم و کسب استقلال و پیشرفت اقتصادی و سر بلندی برای میهن عزیز ما ایران بوده است.

۲- آرمان ما سوسیالیسم است. سازمان ما برای دستیابی به ارزش های سوسیالیستی مبارزه می کند.

مصوبه کنگره درباره هدف سیاسی ما

سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت در راه پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی و استقرار دموکراسی پارلمانی در شکل جمهوری فدراتیو مبارزه می کند.

درباره ارزیابی از نظام سلطنت و سیاست اتحادها با مردم میهن ما در انقلاب بهمین به رژیم سلطنتی نه گفتند و آن را سرنگون کردند. سازمان، نظام سلطنت را نظامی فیردمکراتیک می شناسد. سازمان در سیاست اتحادها، به همکاری و اتحاد عمل و تشکیل جبهه با نیروهای جمهوری خواه طرفدار دموکراسی تاکید دارد و اتحاد با سلطنت طلبان را رد می کند.

قطع نامه در باره تدارک

اشک آن شب لبخند عشقم بود...

۲۱ مرداد ۱۳۶۹ - ساعت ۸ شب

هوای سالن دم کرده بود و دود سیگار در فضا موج میزد. برزمینه صحنه، پشت تریبون، رنگهای آشنای پرچم ایران، و گل سازمان همراه با "عشق و اندیشه، امید و کار" دیده میشد.

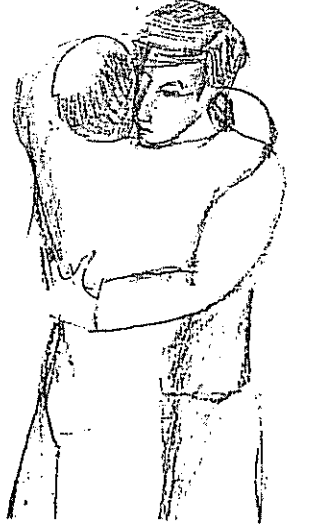
کنگره به آخرین دقایق خود نزدیک میشد. عده ای پشت تریبون آرا مربوط به اعضای رهبری جدید را می شمردند. عده ای سیگار می کشیدند و برخی با کافز خود را باد می زدند، چهره ها ملتهب، عرق کرده و نگران بود. از این کنگره چگونه بیرون خواهیم رفت؟ قوی؟ پرشور؟ یکپارچه و متحد در مبارزه؟ یا...؟

چیزی در فضا موج میزد، نگرانی و امید بهم، نگرانی از مشکلات و موانع، امید به راه گشودن، جلورفتن! بالاخره

اشک آن شب لبخند عشقم بود...

شمارش آرا تمام شد. لحظاتی بعد رفیق فرخ نگهدار قطعه نامه مربوط به هیات رهبری جدید را خواند. وقتی آخرین اسم خوانده شد، همگی بلند شدند و کف زدند. رفیق فرخ مسئولیت جدید را به انتخاب شدگان تبریک گفت. نمایندگان اعضای رهبری جدید را که خودشان انتخاب کرده بودند در آغوش گرفته و تبریک گفتند. لحظاتی بعد سرود آزادی در فضا طنین انداخت:

در محیط طوفان زما ماهرانه در جنگ است ناخدای استبداد با خدای آزادی، از برای آزادی دستها به نشانه اتحاد بالا ای سرمشت شد. هیچکس هوای خفه و دم کرده سالن را احساس نمی کرد. ناگهان ولوله ای افتاد. چهره ها شکفت، اشک ها سرازیر شد. معلوم نبود می خندند یا می گریند؟! اعضای رهبری سابق



همدیگر را در آغوش گرفته بودند و نمایندگان با تمامی وجود آنها رادر آغوش میفشردند. در این بقیه در صفحه ۵

## گزارشی درباره ایران

مطلب زیر بخش اجتماعی گزارشی مشروح، از وضعیت ایران را در هر صدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، تشکیل می‌دهد.

در این زمینه میتوان به هر صدهای فرهنگ و هنر و حقوق اشاره کرد رژیم مبارزه با فرهنگ رایج در زمان شاه را توسط فشار بر جامعه جهت پذیرفتن فرهنگ اسلامی شروع کرد. این فرهنگ که نمونه بارز آن تحصیل حجاب به زنان است همراه خود مشکلات بسیاری به بار آورده که قطعاً سالیان سال کار مداوم و تلاش لازم است تا اثرات مخرب و منفی این تحولات فرهنگی را از بین برد.

در دومین کنگره پژوهش‌های روانپزشکی و روانشناسی در ایران مطرح شد که در حدود ۸۴ درصد از مراجعان بزرگسال به جلسات روان درمانی رازناتن تشکیل میدهند. این درصد بالا صرفاً نشانگر ناراحتی‌های ناشی از تحویل حجاب نیست، بار خفت و تحقیری که زن ایرانی در این عصر پیشرفت و تکنولوژی بردوش میکشد، با هیچ دوره حتی آن زمان که سراپای پیچیده در نقاب و چادر در اندرون زندگی بود، قابل مقایسه نیست. نگاهی به وضعیت اشتغال زنان، تحصیلات و ورزش زنان بیاندارد. آنگاه روشن خواهد شد در هر صدهای که از زنان و ایالیالیست پیچیده در روپوش و شلوار و روسری در مطبوعات چاپ میشود، در دفتر چه‌های کنکور که در مقابل سمیه دختران برای رشته‌های فنی، کشاورزی و هنر خط‌تیره کشیده شده در جداردن فرزندان یک مادر بهنگام طلاق و دادن مبلغ ناچیزی بعنوان ادای دین و در سنگسار یک زن به جرم زنا چه تحقیر غیر انسانی و خردکننده‌ای نموده است. برآستی هرگز وحشت زنی را که تاسینه در زمین فرو رفته و باران سنگ به سروروش میبارد تصور کرده‌اید؟ درون این جامعه که تیمی از جمعیت آن زنان، بخش دیگر آن جوانان و بخش دیگرش کودکان تا این حد تحقیر شده و منع شده از هر نوع تفریح و شادی و ورزش و تحصیل و هنر... هستند چه میگردد؟ پارهای از آن چنین است: نجشای رسمی و غیررسمی، هم جنس بازی، اعتیاد، خودکشی، جنایت. سه سال پیش رژیم با میاهوی فراوان منطقه شهر نو در تهران را با خاک یکسان و اعلام کرد که این محله بدنام که موجب ننگ و رسوائی مملکت اسلامی بود نابود شده است. از جملتی میتوان حق را به رژیم داد. وقتی طبق قانون اسلام یک مرد میتواند ۴ زن هتدی وی تعلیت صیغه، حتی صیغه یک ساخته داشته باشد، دیگر احتیاجی به چنین محلهایی نیست! در خیابان صبا منتهب از خیابان زیبای بلوار کشاورز در ساختمان سفید زیبایی تحت عنوان "بنیاد دواج" کسانی به همین "موربنیادی" مشغولند! هشت سال جنگ که موجب بی سرپرستی زنان و خانواده‌های بسیاری شد، قانون ۴ زن برای یک مرد را به راحتی به جامعه قبولاند. اعتراض هیچ محکمه‌ای به نتیجه نمی رسد.

به دلیل ممنوعیت روابط آزاد بین دختر و پسر و کنترل شدید از طرف "امور تربیتی" مدارس و نیز گشت‌های "امربه معروف و نهی از منکر" که بین مردم به "خواهران زینب" معروفند، انواع و اقسام انحرافات جنسی از جمله هم جنس‌بازی در کنار اعتیاد حبشیش و هرورثین در مدارس شایع است. معلمین بارنج فراوان از این پدیده‌های منفی سخن میگویند و این در حالیکه که باصطلاح مریدان امور تربیتی سرتاپای شاگردان را برای پیدا کردن نشانی از یک رنگ‌شاد، یک کتاب، یک نوار موسیقی، میکاوند! بار جنایت و خودکشی و اعتیاد سیر همدی دارد. ترفندهای اخیر رژیم برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و اعتیاد قطعه انبوه اعدام شدگان انجامید. این برنامه از جانب قشر وسیعی از مردم که از این برای خانانوسوز به درجه استیصال رسیده اند، استقبال شد. آنجا فقط می‌خوانند به ریسمانی بیابوز نداشتاید، پدر، برادر، شوهر و فرزندان! این بلا هستی سوز نجات یابد. بسیاری از مردم معتقدند خود رژیم و کمیته‌ها در بخش مواد مخدر دست دارند و موادی را که از قاچاقچیان ضبط میکنند خود دوباره به میان مردم بر میگرددند و از این راه سود کلانی به جیب می‌زنند. این موضوع را مادر یک معتاد هم در یک مصاحبه رادیویی به صراحت بیان کرد.

فرزندکشی به دلیل فقر که دنومونه آن در روزنامه‌ها چاپ شد - مردی که دو فرزند خود را خفه کرد و مادری که خود را با فرزندانش در کانال - محله جوانمرد قصاب - انداخت - همسر کشی به دلیل اختلافات مالی و کمبود درآمد، جنایات هستریک مشابه قاتلینی که چندین زن را برده و به

قتل رسانده بودند در میدان فاطمی به دار آویخته شدند، قاتلی که زنان را باطناب خفه میکرد، آدم ربایی، کودکان گمشده، اجساد مجهول الجویه مشتت نمونه خروارند که در روزنامه‌ها انعکاس می‌یابد و واقعیات و ابعاد فاجعه بار و هول انگیز آنها را باید در پرونده‌های دادگستری و پلیس جستجو کرد.

در ایران اسلامی، فرهنگ کلاشی رایج و کاملاً هادی است. برخلاف آن روح همبستگی و انساندوستانه سالهای انقلاب امروز هر کس می‌خواهد دیگری را لگد کند و بالا برود یا موقعت خود را حفظ کند، امروز هر کس می‌خواهد کمبود درآمد خود را از جیب دیگری تأمین کند، در این میان فشار اصلی بر روی اتشاری است که درآمد ثابت افزایش نرخ‌ها را تحمل کرده و یا برای جبران کمبود به کارهای دوم و سوم بپردازند.

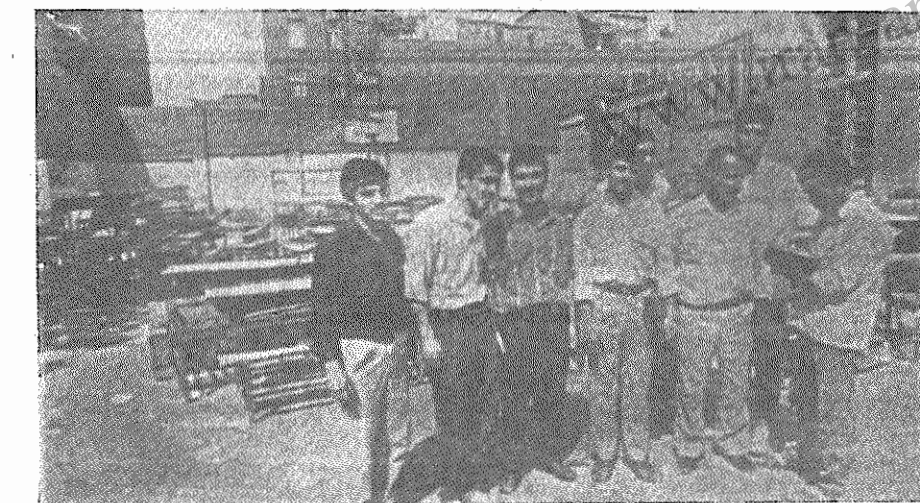
حداقل داشتن دو شغل یکی رسمی و دیگری غیر رسمی کاملاً هادی و اجتناب‌ناپذیر است. در کنار این مشاغل میتوان معامله ماشین، تلن، زمین و خانه هم انجام داد و برخی از اینها البته از عمده‌کسانی بر میآید که باصطلاح زرتنگ باشند. مسافر کشی جزو رایج ترین مشاغل دوم است. در مسیر رفت و برگشت بر سر کار و نیز ساهتاد بعد از ظهر و شب - در ساهتی که قاعدتا باید استراحت کرد و به خانه و خانواده و امور مورد علاقه پرداخت - میتوان درآمد خوبی داشت البته اگر قیمت لاستیک و روغن و بنزین و وسایل دیگر همچنان ثابت بماند. به همین دلیل "پیکان" برای بسیاری از خانواده‌ها نقش و اهمیت گاو موشی حسن را دارد.

انقلاب فرهنگی به شیوه اسلامی دو چهره دارد. یک چهره آن ظاهر جامعه و انسانهاست که هلیر هم نازیبایی موجب افتخار رژیم است و چهره دیگر آن واقعیت دهشتناک فساد و جنایت و خودکشی و اعتیاد و کلاشی است. و بر بستر چنین فرهنگ تحمیلی و پر درونج چه هنری نقش می‌بندد؟

در رژیم اسلامی بسیاری از رشته‌های هنر ممنوع یا مکروه به حساب میآیند و برخی رشته‌ها نیز در قیبت دیگر رشته‌ها یک تاز میدان شدند. در این میان میتوان از خطاطی و فعالیت گسترده انجمن خوشنویسان نام برد که بسیاری از مردان و زنان در آن تعلیم میبینند و نمایشگاه‌های متعدد برپا میکنند. رشته‌هایی مثل طراحی و نقاشی، پیکره سازی، تئاتر و ادبیات زندگی آرامی را میگذارانند. مراکز دولتی متعددی از جمله "وزارت ارشاد" مجله "سروش" "کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان" در این زمینه فعالیت دارند. و در کنار آنها گروه‌ها و افراد مختلف نیز در این حیطه به فعالیت مشغولند. انتشار مجلاتی نظیر "آدینه" و "دنیای سخن" بر پای نیایشگاه‌های طراحان و نقاشان، اجرای تئاترهای مختلف از آن جمله اند. اما هیچکدام به اندازه موسیقی سنتی و سینما تاوده‌ها ارتباط گسترده ندارند. موسیقی سنتی به "برکت" قیبت و در واقع ممنوع بودن هر نوع موسیقی دیگری تاز میدان است. در دوسال اخیر پس از پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ رژیم بتدریج در مورد موسیقی روزنه‌هایی را گشود. برای اولین بار پس از سالها، در سال ۶۷ آلات موسیقی و خواننده و ارکستر از تلویزیون نشان داده شدند، در دهه فجر ۶۷ هنر مندان و موسیقیدانان تجلیل بعمل آمد و برنامه‌های تلویزیونی به معرفی اساتید این رشته پرداختند. صدای خوانندگان زن از جمله "پریرسا" و "هنگامه‌خوان" در محدوده‌های آزاد اعلام شد. آهنگهای قدیمی و مشهور خوانندگان سابق یا بدون خواننده باز نوازی شدند و یا توسط خوانندگان مجاز باز خوانی شدند. و اینهمه البته با استقبال توام با تعجب مردم روبرو شد. شاعران قرون خفته سر بلند کرده و از دهان خوانندگان موسیقی سنتی به نغمه سربایی پرداختند. آنهم به نحوی که به تریخ قبای کسی بر نخورد. و طبق معمول و بر مبنای فرهنگ کلیشه سازی از یکی دو مدل، چندین و چند آهنگساز و خواننده به آسمان پر ستاره موسیقی سنتی ایران اضافه شدند! از موسیقی کلاسیک و موسیقی غربی و کشورهای دیگر مطلقاً خبری نیست مگر در تبلیغ تلویزیونی مثلاً بانکها و یا موقع بخش اسلایدو یا تانیه‌های خالی بین برنامه‌ها! نوار موسیقی تغمینی ایرانی از خوانندگان قدیم و جدید مخفیانه در خیابانها بفروش میرسد و نوار ویدئوی آنها هم مخفیانه دست به دست میگردد. امروز موسیقی

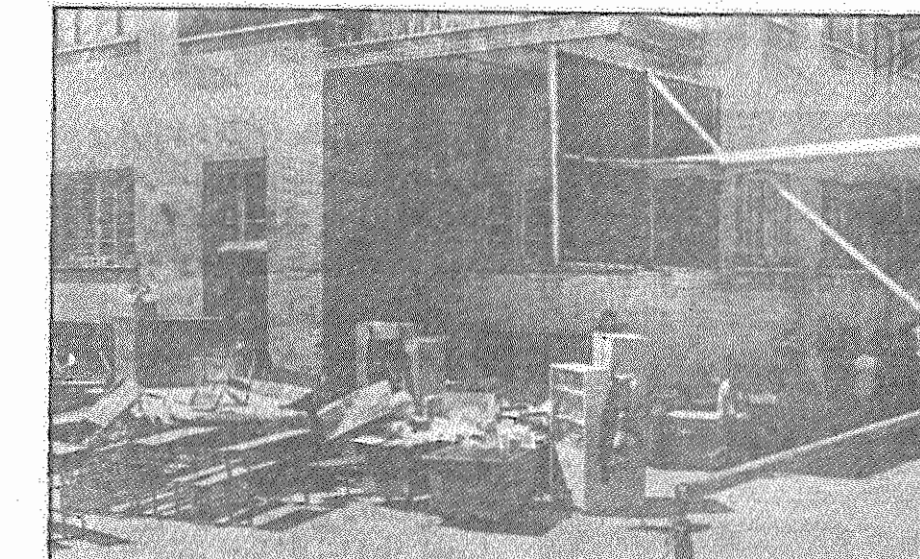
سنتی ایران بدون هیچ رقیبی برای زور آزمایی، یک تاز میدان است اما در شرایطی دیگر حداقل تا دوره ای که جامعه بتواند روح و روان طبعی خود را بیابد، آنکه خواهد برد "مایکل جکسون" است نه "شجریان"! سینمای ایران در هیچ دوره ای تا این حد در جهان مطرح نشده بود. هلیر هم تمام تضییقاتی که وزارت ارشاد اسلامی برای فیلمسازان ایجاد میکند، هلیر هم تمام محدودیتهای هلی و هزینه‌های سرسام آور، در چند سال اخیر فیلم‌های با ارزش و درخور توجه فیلمسازان ایران در نستیوالهای گوناگون یا جوایز متعدد دریافت کرده اند و یا از آنها تقدیر شده است. عباس کیارستمی، امیر نادری، بهرام بیضایی، پوران درخشنده، محسن مخملباف، کیانوش هیاری و مهدی ژکان از آن جمله‌اند. اینان در شرایطی فیلم میسازند که تیچی سانسور صفحات فیلمنامه‌ها و حلقه‌های فیلمشان را تهدید میکند. بعنوان نمونه "مخملباف" در مصاحبه‌ای توضیح داده است که او برای تهیه صحنه‌های مربوط به فقر در یکی از فیلمهایش مجبور شده است به پاکستان برود چون به او گفته‌اند مسئله فقر در ایران حل شده و او اجازت ندارد چنین صحنه‌هایی را در ایران تهیه کند! (نقل به معنی) و هجیا که در "کمرک" و "دروازه قزوین" و "شوش" و "امام حسین" قدم به قدم دهها سوره زیر فقیرانه وجود دارد! با اینهمه هنر سینما بجا به یاد از توده‌ای ترین و موثرترین وسیله ارتباطی در زیر سایه تیچی هازندگی پر باری را ادامه میدهد.

یعنی از نظر رژیم همه مردم مجرم اندمگر آنکه هکس آن ثابت شود. فکرش را بکنید هر انسانی در ایران به دلایل گوناگون مثل فرار از سر بازی، فعالیت سیاسی، ساختن آونک در منطقه ممنوعه، حجاب، روابط شخصی، مشروبات الکلی، اعتیاد و غیره مجرم است و تحت تعقیب! کدام خانواده ایرانی است که حداقل یکی از موارد فوق را در خود نداشته باشد؟ توضیح فجایی که تحت عنوان مجازات مجرمین صورت می‌گیرد از حوصله این گزارش خارج است. اسلامی کردن قوانین جزایی در سالهایی که تمام دنیا و بشریت مترقی صدای اعتراض خود را علیه مجازات اعدام بلند کرده است، در ایران اسلامی منجر به قطع انگشت و دست، سنگسار، شلاق و قصاص های فجیع شده است. بر مبنای قوانین جزایی اسلامی در بسیاری موارد محکوم را اول شلاق میزنند و بعد اعدام میکنند! سر میبرند و سر بریده و تنه بدون سر را برای باصطلاح هیرت مردم در شهر میگردانند، طناب دار را از جرثقیل آویزان میکنند و اهدامی را روزها بردار نگاه میدارند چند محکوم را از یک چوبه دار، اهدام میکنند! و هستند انسانهایی که در سنگسار، در انداختن چهارپایه زیر پای اهدامی، در گرداندن سر بریده در شهر شرکت میکنند و چند برابر آنها انسانهایی که از وحشت این فجایع بر خود میلرزند و بر انبوه نفرات از این رژیم قرون وسطایی در دل می افزایند.



کنجی از حیاط دبیرستان شهدای ۷ تیر (اگر پس از اجرای حکم تخلیه "توه تعالیه مملکت اسلامی" می‌گویند "۵۰۰ صد میزنند" ۳۰۰ در صد مسائل کمک آموزشی و ۴۰۰ در صد مدارک و پرونده‌ها نابود شده است. "اینهمه هیچ است اما، آنگاه که بیاد آریم ۴۰۰ نوجوانی را که در پی آمد این حکم تخلیه سر نوشت خود را می‌بازند. "ما برای دانش‌آموزان خودمان، حتی چانداریم". این پاسخ تلخی است که هر کدام در جوع به دیگر دبیرستان‌ها می‌شنوند. اینان چه خواهند شد؟ چند سالی می‌گذرد و آنگاه... کدام اینها را باید در بازارهای سیاه بچونیم؟ کدام اینها باطنایی بر گردن و چهار خیابانی بر سر در خیابان‌ها گردانده خواهد شد؟

کدامشان در جستجوی فراموشی تلخی‌ها به سپید گرد سیاه پناه خواهند برد؟ کدام یک در پی لطمه‌ای نان در کنار میادین شهر ساهتاما در انتظار صاحب کاری خواهند نشست؟ کدام یک... آيا هست کسی در میان اینان که آینه‌های خوش را در انتظار داشته باشد؟ سر نوشتی شوم چنگ بر گردن نوجوانان انداخته است وطن! سر نوشت این ۴۰۰ تن تنها گوشه‌ای است از نابعهای تلخ، نابعی ای نام زندگی نوجوانان در چرخه رژیم قرون وسطایی.





# مصاحبه خیالی

## با مارکس

مارتین ژاک، پژوهشگر مارکسیسم، مجله 'MARXISM TODAY' را در لندن اداره می‌کند که ماهنامه‌ای است سیاسی فرهنگی و در عرض ۱۲ سال تیراژش را پنج برابر کرده است. نمونه‌ای از خصوصیات حرفه‌ای او همین مصاحبه خیالی با مارکس است. ژاک مولف مانیفست ۱۸۴۸ را مورد بازخواست قرار می‌دهد تا بداند واکنش او درباره سال ۱۹۸۹ چیست.

در زدن جواب دارم، بپایید تو. لحظه‌ای بود که انتظارش را می‌کشیدم. شخصیتی بود کمی کوچکتر از آنچه که انتظارش را داشتم، اما درشت و بغور بود. موها و ریش بلندی داشت که یکدست سفید شده بودند. تعارف کردم بنشینند و تشکر کردم از اینکه وقتش را صرف کرده و برای مصاحبه آمده است. شانه‌اش را بالا انداخت، گیج و ماتزده ضربت را نگاه کرد و منتظر ماند تا شروع کنم.

س - آقای مارکس، شما در آستانه سال ۱۸۴۸ در مانیفست حزب کمونیست نوشتید: "یک شیخ اروپا را دور می‌زند، شیخ کمونیسم". گویا فعلاً تنها شیخی که اروپا را تهدید می‌کند بیشتر همان شیخ سرمایه‌داری است. شروع می‌کنم به شرح اینکه در سال ۱۹۸۹ چه اتفاقاتی افتاده است که بی‌صبرانه حرقم را قطع می‌کنند و می‌گویند: "می‌دانم، می‌دانم. حوادث را دنبال کرده‌ام. خواب را از چشم‌هایم گرفته است."

نظرتان درباره سال ۱۹۸۹ چیست. آیا پایان کمونیسم است؟

مارکس: "سال بسیار شگفت‌آور و مهمی بود. از بعضی جهات شبیه سال ۱۸۴۸ است. یک جنبش مردمی سهارنشدنی در اینهمه کشور و همزمان با هم. اما احتمالاً این دفعه انقلابها تداوم دارند. انقلابهایی برای دموکراسی هستند. فکر می‌کنم سال ۱۹۸۹ پایان ۱۹۱۷ باشد. پایان دوران انقلاب روسیه است. گمان می‌کنم واقعا اعلام ورشکستگی آن است."

س - از برخورد شما تعجب می‌کنم که بر قسمت زیادی از آنچه که به هر حال به اسم شما صورت گرفته است خط‌بطلان کشیدید. از سالهای آخر دهه ۱۸۶۰ دقیقاً خود شما بودید که به روسیه به عنوان یکی از گاندیدهای احتمالی انقلاب نگاه می‌کردید.

مارکس: "من حتی در مطلبی با انگلس نوشتم که یک انقلاب روسی می‌تواند نشانه حرکت انقلاب پرولتری در غرب باشد. به طوری که این یکی مکمل دیگری باشد و این داشت اتفاق افتاد. تقریباً در خیلی از کشورهای اروپایی در سالهای بعد از جنگ بین‌الملل اول انقلاب شد که مسلماً آلمان آخرین آن نبود. اما انقلابها ادامه پیدا نکرد و روسیه تنها ماند یعنی کشوری با یک پرولتاریای بسیار کوچک که فاقد هرگونه سنت دمکراتیک بود. تنها راه حل برای نظامی شد که وحشتناک مستبد بود و این دقیقاً همانی بود که اتفاق افتاد. سوسیالیسمی را که ما در نظر داشتیم مفهوم مشارکت، خودگردانی و اتکا بر یک اکثریت عظیم بود. اما در واقعیت عکس آن شد. سوسیالیسم به نام مردم بود اما در دست یک اقلیت ناچیز."

س - اما همه اینها به نام شما و با اتکا به نظریه‌های شما صورت گرفت.

مارکس: "مارکسیسم به سنت‌های زیادی تقسیم شد. یکی از آنها سنت روسی بود و در اوایل به نظر می‌آمد که به نحوی راه افتاده است. اما مسئله اینجاست که همین تبدیل شد به "مارکسیسم"، به خط مشی رسمی. تمام مکاتب دیگر مانند مکتب انتزاعی ناسیونالیسم دوم تکثیر شدند. در نتیجه مارکسیسمی که در غرب پیدا شده بود بدجوری با شرق گره خورد، یعنی با عقب‌ماندگی و با استبداد. سوسیالیسم از دمکراسی جدا شد و این یک فاجعه بود."

س - به هر حال واضح است که شما باید مسئولیت تمام آنچه را که به نام شما انجام شده است قبول کنید: قدر مسلم اینکه در دورنمای فکری شما نطفه‌هایی از خودکامی هم وجود داشت.

مارکس: "ما بر قانونهای تاریخ اصرار داشتیم و سوسیالیسم را اجتناب‌ناپذیر می‌دانستیم. در عین حال به نوعی عدالت خودجوش فکر می‌کردیم و به این نظریه که هدف وسیله را توجیه می‌کند، اما جدا از شما خواهش دارم که من را مسئول آنچه که زیر نظر استالین اتفاق افتاد ندانید."

س - اما آیا روش شما در بحث و در جدل نمونه بدی را برای پیروانتان به وجود نیاورد؟ از ویژگیهای آن نوعی ثابردیاری و تعصب بود که خیلی‌ها آن را تقلید کردند از جمله لنین.

مارکس از اشارات زیاد سر و دست برای بیان مطلب کمک می‌گیرد و می‌گوید: "فرهنگ دوران من بود مخصوصاً در محافل پنهانندگان در لندن. در هر حال نمی‌توان به خاطر کسانی که هرگز ملاقات نکردم از من تهمت زد."

ندارم که گرایش جامعه در ارتباط با عدم تمرکز چه بوده است. اما تمرکز عظیم سرمایه هم به وجود آمد. کافی است نظری به جوامع بزرگ بیندازیم. علاوه بر آن من همیشه تاکید کرده‌ام که سرمایه‌داری یک نظام انقلابی است. هرگز نگفتم که تواناییهای آن به پایان می‌رسد، گرچه قبول دارم که بویایی و جوشش آن در نیمه دوم قرن بیستم سرا شگفت‌زده کرده است.

نوشتی هم باشد حالا نوبت من است که از آثارم نقل قول بکنم: "بورژوازی برای ادامه حیات باید در وسایل تولید مدام انقلاب کند و در نتیجه در روابط تولید و با آن در روابط اجتماعی جامعه دوران بورژوازی به خاطر دگرگون ساختن انقلابی و ثابت تولید، برهم زدن بی‌دری تمام شرایط اجتماعی، ایجاد تردید و تلاطم‌های اجتماعی، از هر دوران دیگر قبل از خود متمایز است. اینها را من در سال ۱۸۴۸ نوشتم یعنی قبل از آنکه کارم را درباره کتاب سرمایه شروع کنم. فکر نمی‌کنم که توضیحات چندان بدی از آنچه که در این ده سال اخیر می‌گذرد داده باشم."

س - بله، ولی باید در نظر داشته باشید فرم‌هایی که در اروپای غربی انجام شده‌اند خیلی فراتر از رویاهای شما است. در سالهای آخر زندگی‌تان مسلماً شما ارزش فرم‌هایی را که به تدریج انجام شده‌اند شناخته‌اید، در حقیقت به آنها به عنوان امیدهای آن دوران اشاره کرده‌اید، اما با این اعتقاد که بالاخره در لحظه مشخصی یک گشایش انقلابی هم خواهد بود. حالا اگر به گذشته نگاه کنید در دلتان علاقه‌ای نسبت به یکی از پیروانتان یعنی ادوارد برنشتاین تجدیدنظرطلب حسن نمی‌کنید که یکی از سخنگویان راه گام به گام شد و متوجه گردید که خود این روند رفرمیستی خیلی مهم‌تر از هدف نهایی یعنی انقلاب است.

مارکس در جواب تردید نشان می‌دهد، دستی به ریش خود می‌کشد و بعد می‌گوید: "به گذشته که نگاه می‌کنم فکر می‌کنم که تا زمان شکست انقلابها در اروپای غربی در اوایل سالهای بیست حق با من بوده است. آن سالها نشانه‌ای از پایان امکانات انقلابی در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته بوده‌اند. در آن موقع بهترین چاره، اتخاذ راه رفرمیستی بود. احزاب انترناسیونال دوم مثل حزب سوسیال‌دموکرات آلمان، احتمالاً الگوی درازمدتی را ارائه دادند."

س - بنابراین شما وارث خودتان را بیشتر اتحاد جماهیر شوروی می‌دانید یا مثلاً سوئد؟

مارکس: "هر دو جزو ارثیه من هستند. اما حالا معلوم شده است که اولی راه خودش را رفت و شکست خورد. در حالی که سوسیال‌دموکراسی هنوز هم دورنماهای تاریخی زیادی را دارد."

س - به طور اختصار، مارکسیسم در آخر هزاره در چه نقطه‌ای قرار می‌گیرد؟

مارکس: "واضح بگویم، من هیچ وقت اضمایم را زیر مارکسیسم نگذاشته‌ام و تائیدش نکرده‌ام. پادتان می‌آید که گفته بودم: "آنچه از آن است که من مارکسیست نیستم". اما حالا اینکار نمی‌کنم که یک سنت مارکسیستی وجود دارد. به نظر من سال ۱۹۸۹ از این جهت اهمیت دارد که بند ناف بین مارکسیسم و سال ۱۹۱۷ را پاره کرد. مارکسیسم بالاخره کثرت‌گرا (پلورالیست) می‌شود و به مارکسیسم‌های زیادی تبدیل می‌شود."

نگاهم را بالا بردم، اما او رفته بود. چشم‌هایم را به هم مالیدم. آیا یک رویا بود یا یکی از آخرین مصاحبه‌های منصرم به فرد؟

ترجمه از: Ta Stampa, Societá e Cultura ۱۶ مارس ۱۹۹۰

س - در آثارتان گفته‌اید سوسیالیسم ادامه اجتناب‌ناپذیر سرمایه‌داری است و هزار بار هم بر آن تاکید کرده‌اید. شما با دقت خارق‌العاده‌ای درباره سرمایه‌داری نوشته‌اید به طوری که خیلی‌ها؟ هرگز خواب مارکسیست شدن را هم نمی‌دیدند تحت نفوذ افکار شما قرار گرفته‌اند. شما درباره انقلابها مخصوصاً درباره ۱۸۴۸ و درباره گمون پاریس به تفصیل نوشته‌اید و درباره سوسیالیسم خیلی کم. وقتی بلشویک‌ها به قدرت رسیدند وارث حتی یک صفحه مکتوب هم درباره سوسیالیسم نبودند.

مارکس: "احتمالاً اینطور فکر می‌کردیم که وقتی لحظه موعود برسد همه می‌دانند چه باید بکنند. گمان می‌کنم گاه ما یک مقدار به خاطر خیالپردازی‌هایمان بود. در تاریکی همه چیز به نظر درست می‌آمد. دلیل دیگر این بود که از نظر ما تحلیل درباره سوسیالیسم اولویت چندانی نداشت. شناخت از سرمایه‌داری اهمیت بیشتری داشت تا رویای سوسیالیسم."

س - بسیار خوب، پس برویم به سراغ سرمایه‌داری. شما دو پیش‌بینی کردید. اول اینکه سرمایه مدام متمرکزتر خواهد شد و ماهیت خصوصی مستملکاتش هم آشکارتر. دوم اینکه پرولتاریای صنعتی آنقدر رشد خواهد کرد که اکثریت عظیمی از اجتماع را تشکیل خواهد داد و به این ترتیب عنصر اصلی یک جامعه جدید یعنی سوسیالیسم خواهد شد. چنین اتفاقی که حالا نیفتاد. پرولتاریای صنعتی به سرعت رو به کاهش می‌رود. در واقعیت امر جمعیتی که کار می‌کنند به جای اینکه مدام همگن‌تر بشود به طور ناگهانی رشد کرده است.

مارکس: "قبل از هر چیز باید درباره حقیقت تاریخی صریح بود. بعد از آنکه من به سرای باقی شناختم، پرولتاریای صنعتی در کشورهای اروپایی رشد فزاینده و سریع‌تری پیدا کرد. این تا سال ۱۹۴۵ و بعد از آن حقیقت دارد. فقط در سالهای ۵۰ طبقه کارگر نسبت به کل نیروی کار رو به زوال گذاشت. با اینحال بسیار سازمان‌یافته‌تر شد و آگاهی طبقاتیش درست همانطور که پیش‌بینی کرده بودیم، بیشتر شد."

س - توصیف شما برای اروپا صادق است، در جای دیگری آنقدرها صادق نیست مثلاً در ایالات متحده آمریکا.

مارکس: "همینطور است. به هر حال موافقم که از آغاز سالهای ۵۰ و بعد از آن پیش‌بینی درباره تسلط و برتری فزاینده پرولتاریای صنعتی از قدرت چندانی برخوردار نبود حالا مشخص شده است که رشد پرولتاریا از ویژگیهای یک دوران مشخص بود و نه یک گرایش ماندگار. حالا هم که رو به زوال است. در آخر قرن رقم آن کمتر از ۲۰ درصد جمعیتی خواهد بود که در این کشورها کار می‌کند."

س - دقیقاً. گرچه برای مدتی، درباره مرکزیت طبقه کارگر به عنوان عنصر محرک در دگرگونی جامعه حق با شما بود، اما آن دوران حالا تمام شده است، طبقه کارگر دارد افول می‌کند. سرچشمه تاریخی سوسیالیسم شما دیگر وجود ندارد.

مارکس: "قبول دارم. این از اشتباهات فاحش ما بود. برای مدتی گمان می‌کردیم حقیقت است. در واقعیت تنها تا هفتاد سال بعد از آنکه من از این دنیا رفتم حقیقت داشت. گمان می‌کنم مفهوم ما از سوسیالیسم به یک بازانندی احتیاج دارد. بنابراین سوسیالیسم بدون عنصر اصلی محرک آن چه معنایی دارد؟ فکر می‌کنم باید به مرحله طرح‌ریزی برگردیم."

از این‌که دیدم مارکس حسن‌نیت نشان می‌دهد و آمادگی دارد تا با حوادث روبرو شود خوشم آمد. مدت زیادی با او حرف زدم و او مرا به یاد آن شعار مور: "علاقه‌اش انداخت: "باید به همه چیز شک کرد." پادم آمد که از شراب قرمز خوشش می‌آید و تعارفش کردم. با شور و شغف زیادی قبول کرد. در ادامه صحبتش گفت: "فقط درباره یکی از پیش‌بینی‌هایم حرف زدیم. به نظر پیش‌بینی دیگرم درست بوده است. کاری

### ارمنستان در راه اعلام استقلال

هفته گذشته اولتیماتوم میخائیل گارباجف به دارندگان سلاح‌های غیر مجاز خاتمه یافت. ارمنستان از مناطقی است که بیشترین تعداد دارندگان سلاح غیر مجاز را شامل می‌شود. تر-پتروسیان رئیس جمهور جدیداً برگزیده شده ارمنستان طی مصاحبه‌ای با خبرنگاران گفت که باید در اجرای این امر به او وقت کافی داده شود. او گفت مسکو باید قبول کند که قوای ویژه شوروی به ارمنستان حمله نخواهند کرد. از آغاز هفته گذشته پارلمان

ونیز جمهوری‌های شوروی آذربایجان و گرجستان بودند. طلیق سخنان تر-پتروسیان خواست ارمنی‌ها، استقلال و حاکمیت ملی در چارچوب اتحاد شوروی و امکان برقراری روابط داوطلبانه با سایر جماهیر شوروی است. تر-پتروسیان گفت که ارمنی‌ها معتقدند براساس قرارداد اتحاد جدید، دولت مرکزی باید ابراز هماهنگی جمهوری‌های جداگانه شوروی باشد. "نه کمتر و نه بیشتر". هرگاه تمامی جمهوری‌ها بتوانند قانو اساسی و سیستم قانونگذاری مستقل خود را داشته باشند، تمامی آن‌ها اتحاد را خواهند پذیرفت



تر-پتروسیان، رئیس‌جمهور ارمنستان، مهارتش مستقل خود را تشکیل می‌دهیم.

### طرح اقتصادی مشترک گارباجوف و یلتسین

بقیه از صفحه آخر

نیروهای محاصره‌کار اتحاد شوروی، اولین انتقاد آشکار از طرح مشترک گارباجوف-یلتسین را صورت دادند. ایوان پالاسکوف، دبیر اول حزب کمونیست روسیه در محاصره‌ای با پروا داگفت که طرح گذاری که از جانب گارباجوف و یلتسین ارائه شده است، در خدمت "اقتصاد سایه" می‌باشد. او گفت کمونیست‌ها باید تمامی تلاش خود را بکار گیرند تا بازار تحت تاثیر منافع اهالی زحمتکش قرار گیرد. آن‌ها نباید تحت تاثیر مجریان "اقتصاد سایه" قرار گیرند. پالاسکوف با اشاره ضمنی به یلتسین گفت که در فضای بفرنج یک نظام چند حزبی، توده کار باید بیاموزد که میان اشغالگران و کسانی که واقعا از منافع آن دفاع می‌کنند، تمایز قائل شود.

# گزارش عفوبین الملل درباره حقوق بشر در عراق

برای آنکه صدام حسین و رژیمش را بهتر بشناسیم، بخش مربوط به عراق را از گزارش سالانه عفوبین الملل که اخیراً منتشر شد، برگزیده‌ایم. این گزارش در مورد سال ۱۹۸۹ است.

گزارش سازمان عفوبین الملل پیرامون وضعیت حقوق بشر در ایران را در شماره های گذشته درج کردیم.

عراق (جمهوری)

هزاران زندانی سیاسی، از جمله زندانیان سیاسی که در مبارزه قهر آمیز شرکت نداشته‌اند، بدون کیفر خواست یا محاکمه و یا پس از محاکماتی در زندان مانده‌اند که طبق گزارشهای واصله، بر اصول شناخته شده بین المللی برای یک محاکمه عادلانه منطبق نبوده است. کاربست شکنجه علیه زندانیان سیاسی کماکان رواج گسترده‌ای داشت. بازهم در مورد "ناپدید شدن" انسانها گزارشهای رسید. در همین حال، حکومت هیچ اطلاعاتی در مورد سرنویشت هزاران نفر که طرف سالهای گذشته "ناپدید" شده بودند، ارائه نداد. احتمالاً بسیاری از آنها کشته شده‌اند. طبق گزارشهای رسیده، اعدامهایی صورت گرفت. شواهد حاکی است در میان قربانیان این اعدامها، کسانی بوده‌اند که به همو همومی حکومت اهدا کرده‌اند. در اکثر موارد به هیچ وجه روشن نبود که اعدام شدگان محاکمه شده‌اند یا نه.

در فوریه، حکومت پرزیدنت صدام حسین طرحهایی را برای یک قانون اساسی جدید و نیز تدوین قوانینی اعلام کرد که اجازه تشکیل احزاب جدید را داده، آزادی مطبوعات را تأمین کند. علاوه بر این، دولت اعلام کرد که امکان برگزاری نخستین ریاست جمهوری در عراق در دست بررسی است. در ماه آوریل، انتخابات مجلس شورای ملی و در ماه سپتامبر، انتخابات پارلمان منطقه‌ای منطقه خودمختار کردستان برگزار شد. اما تا پایان سال مورد گزارش، اصلاحات سیاسی اعلام شده اجرا نشده بود. در عوض، کماکان گزارشهایی درباره نقض گسترده حقوق بشر می‌رسید.

در ماه فوریه، یک همو همومی اعلام شد که شامل شهروندان عراقی متقیم خارج می‌گردید که متهم به ارتکاب جرایم سیاسی بوده یا به علت چنین جرایمی محکوم شده باشند. شرط

هغو، بازگشت این افراد به عراق در فاصله اول تاسی ام آوریل بود. دولت اعلام کرد بر مبنای این هغو عمومی، همه موارد پیگرد علیه این افراد لغو خواهد شد. افرادی که "هوامل رژیم ایران" خوانده می‌شوند، از این هغو مستثنا شدند. در ماه آوریل، شرط هغو تسهیل شد و اعلام گردید شهروندان عراقی اگر تمایل خود را به استفاده از هغو به اطلاع مقامات برسانند، می‌توانند بازگشت خود را به پس از سی آوریل نیز موکول کنند. طبق گزارشهای رسیده در ماه آوریل ۸۶ کرد عراق از ترکیه به عراق بازگشتند. آنها به همراه دهها هزار کرد دیگر پس از حملات شیمیایی اوت ۱۹۸۸ نیروهای دولتی در مناطق کردنشین شمال کشور از عراق گریخته بودند (به گزارش سالانه ۱۹۸۹ مراجعه کنید) گفته می‌شود که احتمالاً برخی از این کردها به میل خود به عراق بازنگشته‌اند.

چندین نفر که پس از اعلام هغو در سال ۱۹۸۸ به عراق بازگشته بودند، طبق گزارشهای واصله در همان سال یا در آوریل ۱۹۸۹ دستگیر، شکنجه و یا اعدام شدند. برخی از آنها قربانی شیوه "ناپدید کردن" شدند. تأیید آمار دولت مبنی بر بازگشت ۹۲ هزار نفر تا ماه مارس به دنبال اعلام هغو، امکان پذیر نبود. هزاران زندانی سیاسی از جمله احتمالاً زندانیان سیاسی که در مبارزه قهرآمیز شرکت نداشته‌اند، کماکان بدون کیفر خواست یا محاکمه یا پس از محاکمات سریع در زندان مانده‌اند. در میان آنها افرادی هستند که مظنون به عضویت در احزاب ممنوعه‌اند، از جمله در حزب دمکرات مردمی کردستان، حزب اتحادیه میهنی کردستان، حزب سوسیالیست کرد عراق، حزب اسلامی. همچنین بستگان افرادی از این گروهها، از جمله کودکان، کماکان به عنوان گروگان در ازی افراد تحت تعقیب نگه داشته شدند.

در میان افراد دستگیر شده طی طول سال مورد گزارش، نام محمد الدلگایی، امام جمعه شهر قلعه دیزه در استان سلیمانیه، دیده می‌شود. اندکی پس از اینکه وی و چند نفر دیگر طی ملاقاتی با مقامات دولتی به طرحهای حکومت برای انتقال اجباری صدها هزار تن از مردم کرد و ویران کردن شهرهای کردستان اعتراض کردند

که در سالهای گذشته به دلایل سیاسی دستگیر شده بودند، مورد شکنجه قرار گرفتند. به عنوان نمونه در ماه مه ۱۹۸۷ در استان سلیمانیه هشت دانش آموز در سنین ۱۳ تا ۱۶ ساله دستگیر شده و طبق گزارشهایی، مورد شکنجه قرار گرفتند. آنها بیش از ۱۵ ماه بدون کیفر خواست یا محاکمه در زندان ماندند که بیشتر این مدت، در ساختمان سازمان امنیت در سلیمانیه بود. گفته می‌شود که آنها را فلک کرده‌اند، با بدن هریران و توسط کابل های فلزی شلاق زده‌اند. با دستبند قیانی آویزان کرده و تن آنها را با سیگار سوزانده‌اند. در اوت ۱۹۸۸، این دانش آموزان به اتهام فعالیت ضد دولتی در دادگاه انقلاب محاکمه شدند. آنها تبرئه و در سپتامبر ۱۹۸۸ از زندان آزاد شدند. طبق گزارشهای تأیید نشده، چهار تن از آنها در آوریل ۱۹۸۹ بار دیگر بازداشت شده‌اند.

همچنین گزارش رسیده است که یک عضو نیروی پیشمرگ حزب سوسیالیست کرد عراق مورد شکنجه قرار گرفته است. او از هغو همومی ۳۰ نوامبر ۱۹۸۸ استفاده کرده، خود را در ماه فوریه به مقامات معرفی کرد و دستگیر شد. وی پس از آزادی اظهار داشت که ۳۷ روز بدون کیفر خواست یا محاکمه در بازداشت مانده است. نخست در ساختمان ضد اطلاعات ارتش در بغداد، و سپس در زندان شماره یک در محله حرثیه بغداد. او به همراه ۲۲ زندانی دیگر در یک سلول ۱۲ متر مربعی به سر برده است. تکلیفان، آنها را با کتک زده‌اند. یک زندانی را که بر اثر ضربات دچار شکستگی مچ دست شده بود، از هرگونه کمک پزشکی محروم کرده‌اند. در سال مورد گزارش نیز اخباری از "ناپدید شدن" افراد رسیده. علاوه بر این سرنویشت هزاران نفر زندانی "ناپدید شده" در سالهای گذشته، نامعلوم ماند. از جمله ۱۷۸ عضو خانواده‌های شیعه و حدود ۸۰۰ عضو خانواده کرد بارزانی (به گزارش سالانه ۱۹۸۹ مراجعه کنید). در ماه اکتبر، هغو بین الملل اطلاعاتی دریافت داشت که طبق آن ۳۵۳ کرد که در اوت ۱۹۸۸ دستگیر شدند، "ناپدید" شده‌اند. آنها پس از حملات شیمیایی نیروهای عراقی به همدیه در استان دهوک بازداشت شده بودند و ۳۳ عضو نیروی پیشمرگ حزب دمکرات کردستان را نیز شامل می‌شدند. سایرین، افراد غیر نظامی، از جمله دهقان بوده‌اند. همچنین

شطالعرب از به هم پیوستن دجله و فرات تشکیل می‌شود و طول آن، از محل تلاقی دو رود مزبور تا مصب آن، ساحل خلیج فارس، ۱۹۴ کیلومتر طول دارد. از سال ۱۵۵۵ میلادی بدین سو، شطالعرب موضوع ۲۰ قرارداد و ۲۵ جنگ بوده است. پروتکل ۱۹۱۳ تسطیص، تا قبل از قرارداد ۱۹۷۵، مورد استناد عراق در طرح ادعاهای مورد شطالعرب بود. در این پروتکل بریتانیا و روسیه تزاری کل مرز رودخانه را به امپراتوری عثمانی و ساحل شرقی آن را به ایران دادند. در آن زمان، عراق بخشی از امپراتوری عثمانی بود. پس از تشکیل دولت عراق، شطالعرب تنها راه دسترسی عراق به آبهای بین المللی را تشکیل می‌داد. در سال ۱۳۴۸، رژیم شاه قایق های نیروی دریایی را تا میانه مرز رودخانه گسیل داشت و از این طریق بر ادعای ایران مبنی بر حاکمیت بر نیبی از مرز شطالعرب تأکید ورزید. کشمکش میان ایران و عراق در سال ۱۳۵۴ با امضای قرارداد الجزیره موقتاً فیصله یافت. اینک که صدام حسین کویت را اشغال کرده است، وابستگی عراق به شطالعرب کاهش می‌یابد. علاوه بر این، عراق در سالهای گذشته تنگه خور عبدالله و بنادر ام القصر و زبیر را برای کشتی رانی آماده کرده است. اما هنوز معلوم نیست که اعلامیه هفتگه گذشته صدام حسین، آخرین حرف عراق در مورد شطالعرب باشد، به ویژه آنکه این موضع جدید، بر بستری از انزوای و ضعف کنونی رژیم عراق اتخاذ شده است.

۵۲ کودک در سنین ۱۱ تا ۱۷ ساله در میان "ناپدید شدگان" هستند. آنها رانخست در قلعه دهوک نگهداری می‌کردند. از اوایل سپتامبر ۱۹۸۸ خبری از آنها نرسیده است.

۳۳ نفر آسوری نیز که در اواخر ۱۹۸۸ در چارچوب همو همومی از ترکیه و ایران به عراق بازگشتند طبق گزارشهایی "ناپدید" شده‌اند. در میان آنها، کل اعضای چند خانواده از استان دهوک وجود دارند. همچنین طبق گزارشهایی چندین کرد از شهرک بارک در خارج از شهر اربیل که همراه حدود ۲ هزار کرد دیگر پس از هغو همومی ۶ سپتامبر ۱۹۸۸ از ترکیه به عراق بازگشته بودند، پس از بازداشت "ناپدید" شدند. در میان آنها این افراد که متهم به عضویت در حزب دمکرات مردمی کردستان اند، دیده می‌شوند: ارچان مری حسن، مری مری حسن و خالد خدیجه.

اخبار رسیده حاکی از وقوع صدقا اعدام است. در اکثر موارد کسب اطلاع در مورد اینکه قبل از این اعدامها، محاکماتی صورت گرفته است یا نه، دشوار بود. طبق گزارشهایی که در مارس ۱۹۸۹ رسید، در ژوئیه ۱۹۸۸ در شهر العماره حداقل یازده نفری از جبهه‌ها اعدام شدند. ۸۳ تن دیگر نیز به همین جرم در دسامبر ۱۹۸۸ اعدام شدند. گزارش رسیده که در ژانویه ۱۹۸۹، چهارده نفر از ارتش و حزب بعث که در ماه قبل از آن به اتهام توطئه برای سرنگونی دولت دستگیر شده بودند، اعدام شدند. قربانیان، از جمله عبارت بودند از سرتیپ علالدین حسین و سرتیپ عبدالقنی شاهین و نیز ژنرال طالب علی السعدون. طبق گزارشهایی، چهار نفر دیگر از گروهی که در دسامبر ۱۹۸۸ بازداشت شدند، در ژوئیه در بغداد اعدام شدند، از جمله سرتیپ عبدالقادر الشلاوی و سرگرد سمیر سعدالله.

طبق اطلاعات رسیده در ماه فوریه، چهار عضو یک خانواده اهل روستای هین کهوه در استان اربیل در فاصله اوایل سپتامبر و اواسط اکتبر ۱۹۸۸ کشته شده‌اند. نام این قربانیان عبارت است از: پلوس هزیشیا و مسکاوردینا و دو دختر آنها به نامهای حمامو صبیحه. آنها پس از اعدام یک عضو دیگر خانواده، در مخفی گاه بسر می‌بردند اما طبق گزارشهایی پس از اعلام هغو در ۶ سپتامبر ۱۹۸۸ خود را به مقامات معرفی کردند. گفته می‌شود که آنها را سربریده‌اند. جنازه‌های آنها که بر آن آثار شکنجه دیده می‌شد، در اکتبر ۱۹۸۸ در جاده میان اربیل و موصل یافت شد. هفت کرد که پس از اعلام هغو خود را معرفی کرده بودند، در ماه آوریل در پایگاه دهب واقع در نزدیکی کرکوک اعدام شدند. در ماه ژانویه، دولت اعدام دو پزشک به اسامی اسماعیل حسن التاتار و هشام ماهر السلیمان را که در سال ۱۹۸۸ صورت گرفته بود، تأیید کرد. مقامات اعلام کردند که این دو نفر بر مبنای بند ۲۰-د، ماده ۳۹۳ قانون کیفری به اعدام محکوم شده‌اند. زیرا "هنگام خدمت در در مانگاه به بیماران زن تجاوز کرده‌اند." شواهد حاکی است که دستگیری این دو پزشک پس از اظهارات آنها در محفلی خصوصی علیه پرزیدنت صدام حسین صورت گرفت. گفته‌های آنها را روی نوار ضبط کرده بودند. سازمان هغو بین الملل در سبب مورد گزارش کماکان مقامات

عراقی را فراخواند که از اجرای احکام اعدام صرف نظر کنند، و اتهاماتی دایر بر شکنجه قربانیان پیش از اعدام، منتشر کرد.

علاوه بر این، هغو بین الملل به کشتارهای بانگیزه سیاسی در سالهای گذشته که تعدادی نوجوان نیز قربانی آن شده‌اند، اعتراض کرد. در ماه فوریه، هغو بین الملل فراخوانی به دولت عراق منتشر کرد که در آن خواسته شده است که از اعمال خشونت بانگیزه سیاسی علیه کودکان و نوجوانان پایان داده شود. همچنین در ماه فوریه، هغو بین الملل اسامی ۳۹۶ نوجوان هرب و کرد را منتشر کرد که از سال ۱۹۸۰ بدین سو، بدون محاکمه یا پس از محاکمات سریع، زندانی، شکنجه یا اعدام شده یا قربانی اعدامهای غیر قانونی گشته‌اند. سازمان هغو بین الملل در گزارش خود تحت عنوان "کودکان، قربانیان بیگناه سرکوب سیاسی"، به سرنویشت

۱۱ نوجوان عراقی اشاره کرد که در هنگام اعدام بین ۱۴ تا ۱۷ سال سن داشته‌اند، و از ۳۵۱ نوجوان دیگر که در زندان "ناپدید" شده‌اند، نام برد. در ماه مارس، دولت عراق این اتهامات را رد کرد. حکومت عراق حتی اعدام رپوار محمد کریم هزیز ۱۶ ساله در سال ۱۹۸۷ را که قبل از آن را تأیید کرده بود (مراجعه به گزارش ۱۹۸۹ مراجعه کنید) تکذیب کرد. همچنین دولت در ماه مارس گزارشهایی را تکذیب کرد که به موجب آن، حدود ۲۰۰ نفر از ارتش و حزب بعث در سال ۱۹۸۸ دستگیر و چهارده تن از آنها در ژانویه اعدام شده‌اند.

در ماههای سپتامبر و نوامبر، هغو بین الملل طی فراخوانهایی خواستار صدور اجازه ملاقات فرزند بازافت و دافنه پریش با یک دیپلمات و یک وکیل و تأمین مصونیت آنها از شکنجه شد. سازمان هغو بین الملل خواهان آزادی هموزندانیانی گردید که علیه آنها کیفر خواست تنظیم نشده و مورد محاکمه قرار نگرفته‌اند. تا پایان سال، هغو بین الملل پاسخی دریافت نکرد.

سازمان هغو بین الملل طی یک موضعگیری شفاهی نزد کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، توجه این نهاد را به ادامه نقض حقوق بشر در عراق، از جمله قتل عمد، شکنجه و اعدام مخالفان سیاسی و افراد در سنین صغر، جلب کرد. یک نماینده دولت عراق اظهار داشت که هغو بین الملل "با طرح قبلی می‌کوشد افکار همومی جهان را علیه عراق مشوب سازد." سازمان هغو بین الملل در ماه مارس "از تصمیم کمیسیون حقوق بشر مبنی بر خودداری از اتخاذ تدابیری علیه نقض سیستماتیک و گسترده حقوق بشر در عراق" ابراز نگرانی کرد.



پارلمان ترکیه نمایندگان هنگام بحث پیرامون وضعیت بحرانی حاصل از اقدامات عراق در خلیج، بایکدیگر دست به گریبان شده اند.

کهاز حمله احتمالی عراق به همسایه شمالی خود حکایت دارند. طبق برخی گزارشات، عراق اقدام به استقرار قوا در طول مرز ۴۴۰ کیلومتری خود با ترکیه نموده است. این اقدام در حالی صورت می گیرد که روز دوشنبه عراق احتمال حمله به ترکیه را منتفی دانست. وزیر اطلاعات عراق اعلام داشت "این بخشی از یک توطئه بین المللی علیه عراق است." وی افزود اختلافاتی را که در زمینه روابط اقتصادی میان دو کشور بروز می نمایند، می شود بطریق دیپلماتیک از میان برداشت.

### اختیارات فوق العاده برای دولت ترکیه

دیکتاتور رفتار می کند. ییلدیریم آکیولوت، نخست حمله به هیچ کشور ی را ندارد و پیشنهاد این قرار برای تسریع در اتخاذ تصمیم دفاعی در صورت وقوع حمله خارجی است. در حال حاضر نیروی هوایی ترکیه در حالت آماده باش به سر می برد. اعلام این حالت همگس العملی است در مقابل اخباری

پارلمان ترکیه حق اعلام جنگ و اهرام نیرو و تعدد خارجی را به دولت آن کشور واگذار کرد. از ۳۷۳ عضو حاضر پارلمان ۲۱۶ تن به تفویض این اختیار رای دادند. اردال اینو تو رهبر حزب اپوزیسیون سوسیال دمکراتیک خلق که در شمار ۱۵۱ نماینده مخالف قرار داشت، در پارلمان خطاب به تورگوت اوزال رئیس جمهور این کشور گفت که "مانند یک

### از اخبار شوروی

بیش از صد هزار نفر از تاتارهای کریمه بصورت غیرقانونی به موطن اصلی خود بازگشته اند. طی سال های جنگ جهانی دوم، استالین تمامی این ملت را به اتهام جاسوسی برای نازی ها و همکاری با آن ها، از کریمه به آسیای میانه تبعید نمود. در همین اواخر شورای عالی اتحاد شوروی رسماً از تاتارها اهدا حیثیت به مهل آورد. \*صدما تن از اهالی روس جمهوری خودمختار تووا وادار به ترک خانه و کاشانه خود و مهاجرت به دیگر نقاط شده اند. این اقدام در پی حملات متوالی و متعددی صورت گرفته است که از جانب ساکنان تووالی این جمهوری نسبت به روس ها رخ می داد. جمهوری خودمختار تووا جزو جمهوری ندراتیو روسیه است و در مرز میان شوروی و مغولستان واقع می باشد. \*شورای عالی پارلمان جمهوری روسیه فروش مواد معدنی استراتژیک " به دولت مرکزی شوروی را ممنوع اعلام کرد. در این زمره، نفت، گاز، اوران، الماس و طلا و فلزات مشابه می گنجد. بیش از ۸۰ درصد منابع زیرزمینی و تولید انرژی شوروی در روسیه قرار دارند.

\*از اول ژانویه سال ۱۹۹۱ بجای ورودیه مترو مسکو به دو تا سه برابر افزایش خواهد یافت. این بها، پس از افزایش نیز مبلغ ناچیزی را شامل خواهد شد، لیکن اهمیت این افزایش در آن است که دهه های طولانی ثابت ماندن کرایه های وسائل نقلیه عمومی از نشانه های هدم وجود تورم در اتحاد شوروی بوده است.

گزارش ها حاکی از آن است که دولت موقت پاکستان در صدد تشکیل دادگاه های ویژه برای محاکمه مقامات دولت سابق و اعضای خانواده بی نظیر بوتومی باشد. جاتوئی طی بیانیه ای اعلام کرد که رسیدگی به پرونده اعمال دولت سابق کاملاً عادلانه و بری از انتقامجویی خواهد بود. بی نظیر بوتو اولین زنی بود که در یک کشور مسلمان نشین به مقام نخست وزیری رسید. وی

روز دوشنبه ۱۵ مرداد (۱۶ اوت) غلام اسحاق خان، رئیس جمهور پاکستان، خانم بی نظیر بوتو را از پست نخست وزیری این کشور برکنار کرد و غلام مصطفی جاتوئی را موقتاً بدین سمت منصوب نمود. وی در یک کنفرانس مطبوعاتی که در محل کاخ ریاست جمهوری تشکیل یافت، اعلام کرد که با استفاده از اختیاراتی که مطابق قانون اساسی کشور دارد، پارلمان

### تحولات غیرمنتظره در پاکستان

در سال ۱۹۸۸ به این مقام دست یافت. با پیروزی حزب وی ( حزب مردم پاکستان ) در انتخابات دسامبر آن سال، نقطه پایانی بر عمر ۱۱ ساله حکومت نظامیان در پاکستان گذارده شد. خانم بوتو تصمیم غلام اسحاق خان را غیرقانونی و مغایر قانون اساسی نامید. وی طی یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام داشت



این کشور را نیز منحل می نماید. به گفته وی انتخابات برای تشکیل پارلمان جدید روز ۲۴ اکتبر سال جاری برگزار خواهد شد. رئیس جمهور پاکستان هلل برکناری خانم بوتو را چنین برشمرد: بهره برداری از مقام دولتی، شکست دولت در کنترل اوضاع امنیتی سند، مداخله در امور داخلی استان ها، تضعیف روحیه کارمندان بلند پایه شافل در حکومت های ایالتی، امتناع از تفویض اختیارات لازم به استان ها، سوءاستفاده در اعطای وام های بانکی و...

در پی این اظهارات غلام اسحاق خان برقراری وضعیت فوق العاده در کشور را اعلام کرد. در بیانیه ای که در این رابطه از سوی وی منتشر شده، آمده است که اوضاع پاکستان حساس است و "امنیت پاکستان در معرض تعدد تهاجم خارجی و ناآرامی های داخلی، که از کنترل دولتی ایالتی خارج است، قرار دارد."

به گزارش خبرگزاری ها پس از اعلام برکناری خانم بوتو، ارتش پاکستان مراکز حساس پایتخت را از جمله تلویزیون، مراکز تلفن، نخست وزیری و مجلس ملی این کشور را به محاصره خود درآورد. ژنرال میرزا اسلم بیگ رئیس ستاد ارتش پاکستان اعلام داشت که "ارتش هیچگاه در سیاست دخالت نکرده و نخواهد کرد." و این اقدامات تنها برای اطمینان از انتقال منظم قوا به مقامات غیر نظامی صورت می پذیرد.

از پاکستان گزارش میرسد که کمیسیون هائی جهت بررسی مدارک دبیرخانه نخست وزیری و نیز مجلس ملی این کشور تشکیل گردیده اند. هدف این کمیسیون ها تعیین موارد خیانت و تهیه آمار آن ها می باشد. علاوه دستور اخراج ۱۳۸ مسئول ارشد و ۲۶ هزار کارمندی که طی زمامداری خانم بوتو استخدام شده بودند، صادر گردیده است.

### گزارش عفویین الملل درباره حقوق بشر در عراق

در صفحه ۹ \*از این پس اتباع شوروی می توانند موسسات شخصی بنیان گذارند. تعداد شافلین این موسسات نباید بیش از ۲۰۰ تن باشد. این تصمیم، بخشی از طرحی است که مطابق آن طی ۵ سال آتی در اتحاد شوروی اقتصاد بازار تحقق خواهد یافت.



۴۵ سال از بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی توسط بمب افکن های آمریکائی گذشت. سال های طولانی گذشت، اما اندوه همواره در قلب ها باقی است.

### طرح اقتصادی مشترک گارباچوف و یلتسین

نماینده شورای عالی جمهوری روسیه به این شورا پیشنهاد شده بود. در ماه مه گذشته، طرحی که از جانب دولت شوروی "برای گذار به بازار کنترل شده" تهیه شده بود، در شورای عالی اتحاد شوروی رد شد. از آن پس گروهی تحت رهبری آیل آگانجیان، عضو آکادمی علوم اتحاد شوروی، بر روی تنظیم جدید "طرح ریشکوف" کار می کند. طبق خبری که از جانب یوگنی پریماکوف، عضو شورای ریاست جمهوری منتشر شد، اسناد تهیه شده از جانب این گروه و اسناد گروهی که توسط گارباچوف و یلتسین تشکیل گردیده اند و اکثریاً به رفورمیست های رادیکال تعلق دارند، ترکیب خواهند شد. پریماکوف به خبرنگار ایژوستیا گفت که تهیه کنندگان "طرح ۵۰۰ روزه" آماده کار مشترک با دولت شوروی هستند. در این رابطه ایوارس گودمانیس، نخست وزیر لتونی اعلام کرده است که کمک های اقتصادی قرب باید پس از برقراری نظام اقتصاد بازار در شوروی پذیرفته شود. وی وضعیت کنونی اقتصاد شوروی را به بشکهای بدون کف تشبیه کرد. بقیه در صفحه ۸

<b>AKSARIYAT</b> <b>NO. 315</b> <b>MONDAY 20. Aug. 1990</b>	<b>اکثريت</b> نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) در خارج از کشور
آدرس: <b>RUZDEM</b> <b>POSTFACH 1810</b> <b>5100AACHEN</b> <b>W.GERMANY</b>	حساب بانکی: <b>M.ABD</b> <b>NR. 35263011</b> <b>37050198</b> <b>Stadtsparkasse Köln</b> <b>W.GERMANY</b>